

## بررسی رابطه بین آگاهی تاریخی و هویت ملی شهروندان (مطالعه موردی شهر کرمانشاه)

علی مرادی\*؛ کیومرث کرانی<sup>۲</sup>

(دریافت: ۱۳۹۹/۰۳/۲۲ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۱/۲۱)

### چکیده

ماهیت هویت ملی در هر جامعه‌ای به ابعاد سازنده و وضعیت آن بستگی دارد و به تبع ماهیت ابعاد سازنده و وضعیت آن نتایج متفاوتی را نیز در جوامع مختلف به همراه خواهد داشت. مطالعه حاضر به بررسی رابطه بین آگاهی تاریخی و هویت ملی شهروندان شهر کرمانشاه، در یک نمونه ۳۸۴ نفری از افراد ۱۸ سال به بالا پرداخته شده است. هدف اصلی تحقیق بررسی رابطه بین آگاهی تاریخی و هویت ملی شهروندان (مطالعه موردی شهر کرمانشاه) است. اعتبار پرسش‌نامه از طریق اعتبار صوری و پایایی آن نیز از طریق ضریب آلفای کرونباخ تأیید شد که بیشتر متغیرها سطح آلفای بالای ۰/۷۵ را داشته‌اند که نشان‌دهنده قدرت بالای ابزار سنجش است. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار آماری اس.پی.اس.اس. و از تکنیک‌های آمار استنباطی همچون ضریب هم‌بستگی پیرسون و رگرسیون استفاده شده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که بین آگاهی تاریخی و کل هویت ملی ( $r=0/445$ )، هویت ملی در بُعد اجتماعی ( $r=0/104$ )، در بُعد سیاسی ( $r=0/583$ )، در بُعد جغرافیایی ( $r=0/432$ ) و در بُعد فرهنگی ( $r=0/260$ ) رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. به علاوه نتایج رگرسیون چندمتغیره نیز بیانگر آن است که تأثیر آگاهی تاریخی در بُعد سیاسی

۱. دانشیار گروه جامعه‌شناسی، واحد اسلام‌آباد غرب، دانشگاه آزاد اسلامی، اسلام‌آباد غرب، ایران (نویسنده مسئول).

\*moradi.pop@gmail.com  
<https://orcid.org/0000-0002-1644-463X>

۲. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی واحد اسلام‌آباد غرب، دانشگاه آزاد اسلامی، اسلام‌آباد غرب، ایران.

(Beta=۰/۵۵۳)، بُعد جغرافیایی (Beta=۰/۱۴۱) و بُعد اجتماعی (Beta=۰/۱۱۰) است. این سه مؤلفه آگاهی تاریخی توانستند نزدیک به ۴۰ درصد از فضای مفهومی متغیر وابسته هویت ملی را تبیین و پیش‌بینی کنند. براین اساس می‌توان گفت دخالت دادن شهروندان در تصمیمات سیاسی و فرهنگی کشور، گسترش عرضه اطلاعات برای آشنایی مردم با ابعاد تاریخی، اجتماعی و سیاسی زندگی می‌تواند حس مشترک هم‌بستگی و هویت ملی را در آنها ارتقا دهد.

**واژه‌های کلیدی:** هویت، هویت ملی، هویت اجتماعی، آگاهی تاریخی، شهر

کرمانشاه.

#### بیان مسئله

بررسی هویت ملی یکی از مباحثی است که اهمیت تاریخی و جامعه‌شناختی فراوانی دارد. اهمیت تاریخی آن به این جهت است که اولاً، این پدیده در فرایند زمان در جامعه شکل گرفته و از رویدادها و تغییر و تحولات تاریخی تأثیر پذیرفته است. ثانیاً، هر هویتی که امروزه در جامعه و میان گروه‌های اجتماعی مشاهده می‌شود، برگرفته از جریان‌های تاریخی ادوار مختلف است. از نظر جامعه‌شناختی هویت ملی به این لحاظ اهمیت دارد که یکی از عوامل مهم انسجام اجتماعی و وفاق ملی در هر جامعه تلقی می‌شود. هر اندازه ملتی از هویت محکم‌تر و منسجم‌تری برخوردار باشد، به همان اندازه در تحکیم پایه‌های هم‌بستگی و وفاق اجتماعی موفق‌تر خواهد بود. باید دانست که افزایش مراودات جهانی و به‌خصوص بحث جهانی شدن که امروزه یکی از مباحث مهم حوزه‌های مختلف اقتصادی، سیاسی و فرهنگی تلقی می‌شود، در چالش با مفهوم هویت ملی قرار می‌گیرد. در میان متفکران در موضوع رابطه هویت ملی و افزایش روابط جهانی و جهانی شدن دو دیدگاه وجود دارد. تعدادی از صاحب‌نظران بر این باورند که روند جهانی شدن باعث تزلزل پایه‌های هویت ملی می‌شود و همه کشورها

بررسی رابطه بین آگاهی تاریخی و هویت... \_\_\_\_\_ علی مرادی و همکار

کم‌وبیش مجبورند در قبال این روند از خود انعطاف نشان دهند. برخی دیگر از متفکران عکس این دیدگاه را دارند. آنان معتقدند که جهانی شدن باعث می‌شود کشورهایی که خواهان حفظ هویت خود هستند، عکس‌العمل نشان دهند و درصدد تحکیم پایه‌های بومی وحدت، هویت و انسجام جامعه خود برآیند.

همان‌گونه که در جغرافیا مفهوم مکان نقش محوری بازی می‌کند مفهوم زمان و رابطه انسان با زمان نیز پیچیده و گسترده است و ترکیبی از دو عنصر مهم بودن و شدن است که حال و آینده و گذشته فرد را به هم پیوند می‌دهد. می‌توان گفت افراد و جوامع بشری با پیوند دادن حال خود با گذشته هویتشان را شناسایی می‌کنند و در مرحله بعد برای حرکت به سوی آینده دارای اهداف و آرمان‌های مشترک می‌شوند در نتیجه انسان‌ها با آگاهی از حرکت و تداوم خود در بستر زمان خودشان و هویتشان را در چارچوب آن باز می‌یابند بنابراین هرگونه هویت فردی و اجتماعی نیازمند تداوم فردی و اجتماعی در بستر زمان است و چنین تداومی احساس نمی‌شود مگر در صورت وجود یک گذشته معنادارتر؛ بنابراین مفهوم آگاهی تاریخی در کنار هویت نقش کلیدی دارد (خلعتبری و لطف‌آبادی، ۱۳۹۳، ص. ۶۹). آگاهی تاریخی نوعی دانش و باور از تاریخ و گذشته خود فرد است و این آگاهی می‌تواند هم نسبت به گذشته اسطوره‌ای و هم گذشته واقعی یا طبیعی باشد که در دوره مدرن و چه در دوره پسامدرن به‌راستی می‌توان این آگاهی تاریخی را در جوامع گوناگون دید و از طریق آن ذهنیت هر جامعه‌ای را نیز شناخت و تصویری از آن در زمان ترسیم کرد، زیرا این آگاهی و باورها روح کالبد معنوی جوامع را تشکیل می‌دهند. یکی از کارکردهای آگاهی تاریخی تقویت هویت ملی است. هویت ملی نماد خود اجتماعی فرد است و این بدان معناست که فرد از طریق احساس تعلق به اجتماع ملی خود نه تنها گذشته خود را درونی می‌کند، بلکه

چشم‌اندازی از آینده را نیز برای خود ترسیم می‌کند (اکبری و عیوضی، ۱۳۹۳، ص. ۳۵).

در ارتباط بین آگاهی تاریخی و هویت ملی می‌توان اظهار داشت، تحولات تاریخی در شکل دادن به احساس تعلق و دل‌بستگی به یک مجموعه هویتی کاملاً اثرگذار است. شکست‌ها، پیروزی‌ها، شیرینی‌ها و تلخی‌های تاریخ هر ملت همواره از سوی افراد، با احساسات قرین دل‌بستگی است و در شکل دادن به انگاره‌های جمعی مؤثر هستند. بنابراین بُعد تاریخی هویت ملی را می‌توان به‌منزله تداوم تاریخی هر ملت تعریف کرد که نگاه به گذشته، حال و آینده هر ملت دارد که اجتماع ملی تاریخی را ایجاد می‌کند و مجموعه‌ای از تعهدها و وظیفه‌هاست. بر این اساس از آنجا که نیاکان ما سختی‌های بسیار برای ما کشیده‌اند ما نیز در قبال آیندگان متعهد و وظیفی را برعهده خواهیم داشت (شجری قاسم خیلی، ۱۳۹۲، ص. ۹۴). آگاهی تاریخی و درک صحیح از هویت ملی و افراد جامعه کمک می‌کند تا جایگاه واقعی خود را در نظام جهانی بهتر درک کنند و از طریق کنش سازنده به وظایف خود در قبال آیندگان جامعه عمل بپوشانند. شهر کرمانشاه یکی از شهرهای تاریخی و فرهنگی ایران با مساحتی برابر با ۹۳۳۸۹۹۵۶ متر مربع و یکی از کلان‌شهرهای ایران با جمعیتی برابر با ۹۶۷۱۹۶ نفر بر اساس سرشماری سال ۱۳۹۵ است. وجود مشکلات اقتصادی و بیکاری فزاینده در این شهرستان که رتبه نخست بیکاری در کشور را دارد، نزدیکی و هم‌جواری با مرز عراق، گویش‌ها و اقوام متعدد ساکن در این شهرستان و پدیده آسیب‌زای حاشیه‌نشینی باعث شده است که جرائم و مشکلات رفتاری در این شهر نیز رو به افزایش باشد. به نظر می‌رسد این تنوع قومی و عمدتاً غیربومی در میزان آگاهی تاریخی و حس تعلق خاطر به محیط زندگی آنان تأثیر گذاشته باشد و این خود با ایجاد سردرگمی هویتی در افراد

بررسی رابطه بین آگاهی تاریخی و هویت... \_\_\_\_\_ علی مرادی و همکار

زمینه را برای ایجاد کنش و اقدامی جمعی به‌سوی توسعه مهیا نکرده و در نتیجه مشکلات این کلان‌شهر را روزبه‌روز گسترش می‌دهد.

بر این اساس پژوهش حاضر درصدد تبیین این موضوع است که آگاهی تاریخی جوانان شهر کرمانشاه در چه سطحی است؟ این آگاهی آیا بر هویت ملی شهروندان تأثیرگذار است؟ تأثیر این آگاهی چگونه می‌تواند باشد؟ پژوهش حاضر با هدف تعیین رابطه بین آگاهی تاریخی بر هویت ملی صورت گرفته است. اهداف جزئی بدین شرح‌اند:

- تعیین تأثیر متغیرهای دموگرافی و سطح آگاهی تاریخی پاسخ‌گویان؛

- تعیین رابطه بین میزان آگاهی تاریخی و هویت ملی؛

- تعیین رابطه بین میزان آگاهی تاریخی و بُعد اجتماعی هویت ملی؛

- تعیین رابطه بین میزان آگاهی تاریخی و بُعد سیاسی هویت ملی؛

- تعیین رابطه بین میزان آگاهی تاریخی و بُعد جغرافیایی هویت ملی؛

- تعیین رابطه بین میزان آگاهی تاریخی و بُعد فرهنگی هویت ملی؛

**آگاهی تاریخی:** آگاهی تاریخی به دانش تاریخی گفته می‌شود که فرد یا اجتماع

تعلق و اهتمام زیادی به آن دارند؛ بنابراین دربرگیرنده سه بعد است که شامل بعد دانش تاریخی، بعد تعلق خاطر تاریخی و بعد اهتمام تاریخی است (خلعتبری و لطف‌آبادی، ۱۳۹۲، ص. ۲). بُعد دانش تاریخی به‌معنای آگاهی از مهم‌ترین حوادث و شخصیت‌های تاریخی است. بعد تعلق خاطر تاریخی یعنی وجود عواطف مثبت و منفی نسبت به حوادث و شخصیت‌های گذشته و درنهایت بعد اهتمام تاریخی به معنای اهمیت دادن به گذشته تاریخی است (معمار، ۱۳۸۷، ص. ۳۲).

**هویت:** هویت می‌تواند در مورد تعریف خود به‌منزله یک فرد نسبت به دیگران در یک گروه بزرگ‌تر باشد. بنابراین در سطح فردی هویت ممکن است شامل اجزا مختلفی باشد که هر کدام نقش‌های مختلفی را بازی می‌کنند مانند جنسیت، سن، ظاهر، حرفه و کسب‌وکار. در سطح کلان افراد درباره ویژگی‌های جمعی مشترک صحبت می‌کنند مانند ملیت قومیت، مذهب و طبقه اجتماعی (Potapenko, 2006, p. 20).

**هویت ملی:** هویت ملی به‌معنای عضویت در یک گروه ملی و آگاهی از عضویت در آن و احساس تعلق عاطفی، تعهد و دل‌بستگی به آن گروه ملی است که دارای ویژگی‌های مختلف اجتماعی، نمادهای ملی، فرهنگ و میراث فرهنگی، سرزمین و جغرافیا، دولت و میراث سیاسی و تاریخی، اسطوره‌های خاص و متمایز از دیگر ملت‌هاست (ساعی، ۱۳۸۸، ص. ۱۱۸).

**بُعد اجتماعی هویت ملی:** هویت اجتماعی فهم ما از کیستی ماست و اینکه دیگران کیست‌اند و برعکس، فهم دیگر افراد از خودشان و دیگران که شامل ما نیز می‌شود. همچنین، هویت اجتماعی محصول توافق و عدم توافق است. هویت اجتماعی قابل مذاکره و انتقال است. بر این اساس افراد براساس فهم خود و توافقی که با دیگر افراد جامعه بر ارزش‌ها و هنجارها دارند، هویت خود را درک می‌کنند (ربانی و همکاران، ۱۳۹۲، ص. ۳).

**بُعد جغرافیایی هویت ملی:** تعریف هویت در این بعد عبارت است از نگرش مثبت به آب و خاک به این جهت که ما ساکنان کشور و سرزمین معینی هستیم و جایگاه مشخصی در نظام هستی داریم. عنصر زمین که با اقتصاد و سیاست پیوند نزدیک دارد واحد بقا را برای شخص معلوم می‌سازد؛ به این معنی که تنها با وجود آن سرزمین

بررسی رابطه بین آگاهی تاریخی و هویت... \_\_\_\_\_ علی مرادی و همکار

مشخص، رسیدن به اهداف و رفع نیازهای متصور خواهد بود (ابوالحسنی، ۱۳۸۷، ص. ۱۶).

**بُعد فرهنگی هویت ملی:** هویت فرهنگی برداشتی از خویشتن است که از عضویت (رسمی یا غیررسمی) در یک گروه اجتماعی نشئت می‌گیرد و برمبنای انتقال و گسترش دانش، باورها، ارزش‌ها، نگرش‌ها، سنت‌ها و شیوه‌های زندگی معین و مشترک استوار است (رفعت‌جاه و همکاران، ۱۳۹۷، ص. ۲).

**بُعد سیاسی هویت ملی:** تعلق خاطر افراد هر ملت به مبانی مشروعیت‌بخش و نظام سیاسی برآمده از آن که به‌شکل حکومت تجلی پیدا می‌کند، بُعد سیاسی هویت ملی قلمداد می‌شود. بر این اساس تنها تعلق قانونی یا فیزیکی به یک نظام سیاسی، بعد سیاسی هویت را شکل نمی‌دهد، بلکه احساس پذیرش و تعلق خاطر به مبانی ارزشی و نظام سیاسی برآمده از آن است که این پذیرش را جاری و محقق می‌سازد (ازدری، ۱۳۹۲، ص. ۱۸۱).

## ادبیات تجربی و نظری

### پیشینه تحقیق

صادق‌زاده و نادری (۱۳۹۶) پژوهشی با عنوان «رابطه هویت ملی و هویت قومی در بین دانشجویان آذری، فارس، لر، کرد و عرب در دانشگاه‌های ایران» انجام داده‌اند. آن‌ها نشان دادند که بین هویت ملی و هویت قومی رابطه‌ای مثبت وجود دارد؛ بدین معنی که با افزایش نمره‌های مؤلفه‌های هویت قومی نمره‌های مربوط به هویت ملی نیز افزایش یافته است. میرزایی و همکاران (۱۳۹۵) در پژوهشی نشان داده‌اند که ملت ایران از دوران باستان با درک و آگاهی از حقیقت تاریخی و فرهنگی خود، به‌نام هویت ملی، به

دنبال و بازیافت آن گام برداشته‌اند. احمدی و گنج‌خانلو (۱۳۹۴) پژوهشی با عنوان «رابطه هویت ملی و هویت قومی در بین جوانان شهر زنجان» انجام داده‌اند. تجزیه و تحلیل داده‌ها نشان داده است که بین هویت ملی و هویت قومی جوانان شهر زنجان نه تنها رابطه منفی وجود ندارد، بلکه بین این دو هویت جمعی رابطه تقویتی با شدت کم برقرار است به طوری که با بیشتر شدن میزان هر یک از دو هویت قومی یا هویت ملی میزان دیگری نیز بین جوانان زنجان افزایش می‌یابد.

امینی و همکاران (۱۳۹۳) پژوهشی با هدف «تحلیل و ارزیابی هویت ملی و دینی دانشجویان دانشگاه کاشان و علوم پزشکی کاشان» انجام دادند. یافته‌های تحقیق نشان داده که میانگین هویت دینی و مؤلفه‌های هویت ملی در دانشجویان دانشگاه بالاتر از حد متوسط بوده است. خلعتبری و لطف‌آبادی (۱۳۹۳) پژوهشی با عنوان «آگاهی تاریخی و کارکرد آن در شکل‌دهی به هویت ایران دوره ساسانی» انجام داده‌اند. آنان اظهار داشته‌اند که در میان مؤلفه‌های چندلایه و ترکیبی هویتی ایران دوره ساسانی آگاهی و تعلق تاریخی، یکی از مهم‌ترین آن‌ها بوده که کم‌تر در پژوهش‌های مربوط به این عصر به آن توجه شده است. شهرام‌نیا و همکاران (۱۳۹۳) با عنوان «بررسی تأثیر شبکه‌های اجتماعی بر میزان هویت ملی (مطالعه موردی: دانشجویان دانشگاه اصفهان)» نشان داده‌اند که قرار گرفتن افراد در شبکه‌های متنوع اجتماعی با ابعاد مختلف هویت ملی (فرهنگی - اجتماعی، هویت سیاسی، هویت تاریخی و هویت سرزمینی) رابطه هم‌افزا و معناداری دارد هر چند این رابطه در ارتباط با شبکه‌های درون‌گروهی به اثبات نرسید.

امیرکافی و حاجیانی (۱۳۹۲) در مقاله‌ای با عنوان «نسبت هویت قومی و ملی: در جامعه چندقومیتی ایران: بررسی و مقایسه سه رهیافت نظری» استدلال کردند لزوماً



بررسی رابطه بین آگاهی تاریخی و هویت... \_\_\_\_\_ علی مرادی و همکار

رابطه هویت ملی و قومی معکوس و کاهنده نیست و این دو در حالت سازگاری و همزیستی در میان اقوام ایرانی (ترکمن، آذری، بلوچ، عرب، لر و کرد) دیده می‌شوند. کاظمی و نادری (۱۳۹۲) پژوهشی با عنوان «بررسی رابطه سبک‌های هویت‌یابی و هویت قومی در دانشجویان گروه‌های قومی ترکمن، کرد و لر» انجام داده‌اند. یافته‌ها نشان می‌دهد بیشتر دانشجویان دارای سبک هویت‌یابی اطلاعاتی بوده و تفاوت معناداری در سه گروه قومی و نوع سبک هویت‌یابی آن‌ها وجود ندارد. درعین حال میان هویت قومی و سبک هویتی اطلاعاتی رابطه مثبت و معناداری برقرار است. امامی (۱۳۹۲) در پژوهشی با عنوان «از جامعه‌شناسی تاریخی ایران تا نظریه سیاست پیشرفت» نشان داده‌اند که جامعه‌شناسی تاریخی هویت و تمدن پژوهی از حوزه‌های مهم مطالعات هویت تاریخ و تمدن است که در تربیت منظم از ذهنیت تا امنیت خودآگاه جمعی را سامان می‌دهد.

توسلی و ادهمی (۱۳۹۱) در پژوهشی با عنوان «حافظه تاریخی، هویت قومی و جهانی شدن: پژوهش بین‌نسلی در شهر سنندج» با یک نمونه ۴۵۵ نفری از شهروندان بالای ۱۵ سال نشان داده‌اند که هویت قومی نسل کهن‌سال، حافظه تاریخی نسل میان‌سال و بهره‌گیری از رسانه‌های جهانی نسل جوان وجود دارد و جامعه‌پذیری براساس آگاهی تاریخی به سبک کردی، احساس تبعیض قومی و حافظه تاریخی بیشترین تأثیر را بر متغیر هویت قومی داشته است. شجری قاسم خیلی (۱۳۹۲) پژوهشی با عنوان «واکاوی نقش تاریخ و آگاهی تاریخی در بازسازی هویت ایرانی» انجام داده‌اند. روش تحقیق پژوهش کیفی و از نوع توصیفی تحلیلی برپایه منابع کتابخانه‌ای و با رویکرد سازه‌گرایی اجتماعی بوده است. مهم‌ترین یافته‌های حاصل از این پژوهش این بوده است که در میان عناصر و مؤلفه‌های هویت ایرانی آگاهی تاریخی

مهم‌ترین نقش را در احیا و بازسازی هویت ایرانی در دوران اسلامی داشته است. حقیقتیان و همکاران (۱۳۹۰) «عوامل متعددی را بر هویت ملی در سه بُعد عاطفی، شناختی و رفتاری» سنجیده‌اند. نتایج نشان داد هویت ملی دانش‌آموزان اصفهانی در بُعد عاطفی به نسبت بعد شناختی و رفتاری بیشترین نمره را به خود اختصاص داده است. ابوالحسنی (۱۳۸۷) نیز در مقاله‌ای با عنوان «سازگاری هویت‌ها در فرهنگ ایرانی» به مطالعه میزان هویت قومی، ملی، امّتی و جهانی در میان شهروندان تهرانی پرداخته است. نتایج این پژوهش نشان داده است تقابلی میان هویت ملی شهروندان و دو هویت قومی و امّتی وجود ندارد.

اسکیان و چنگیزی (۱۳۸۷) نیز با «بررسی رابطه بین تمایز یافتگی و سبک‌های هویت در دانشجویان کارشناسی دانشگاه تهران» نشان داده‌اند که تمایز یافتگی تنها با سبک هویتی آشفته و سردرگم رابطه منفی و معنادار دارد و نشان می‌دهد افرادی که معیارهای فردی و ارزش‌های شخصی تعریف‌شده‌ای دارند، کم‌تر در چیستی و کیستی خود دچار بحران و سردرگمی می‌شوند.

امین (۱۳۸۵) در ارتباط با آگاهی تاریخی و هویت ملی نتیجه گرفته است که آگاهی از پیشینه تاریخی کشور در بین افراد ملت موجب انسجام و وحدت و مایه حفظ هویت ملی می‌شود و ثمره‌های اجتماعی و سیاسی در پی دارد. همچنین نتیجه گرفته‌اند نگاه تاریخی نباید ملت را با احساس مبالغه‌انگیز و حماسی نسبت به خیرات و حسنات نیاکانمان سرگرم و دل‌خوش کند، بلکه با دید علمی و واقع‌بینانه موجب عبرت‌آموزی مان شود تا اشتباهات گذشتگان را تکرار نکنیم.

آدریانسن<sup>۱</sup> (۲۰۱۹) در پژوهش خود «نگاهی به آگاهی تاریخی و نگاهی به جنگ جهانی دوم» نشان داده‌اند که انگیزه بسیاری از افراد غیرنظامی برای شرکت در جنگ،

بررسی رابطه بین آگاهی تاریخی و هویت... \_\_\_\_\_ علی مرادی و همکار

تعصب ناشی از هویت و آگاهی تاریخی ملی آنان بوده است و این را گواهی برای اهمیت تأثیر آگاهی تاریخی به انواع پوشش‌های انسانی می‌دانند. گروه استادان دانشگاه برزیل (۲۰۱۹) در پژوهشی با هدف «تحقیق در آموزه های تاریخی» نشان داده‌اند که مطالعات تاریخی برای بازنمایی هویت‌های فرهنگی و اجتماعی اقوام بسیار ضروری است و در عامل عقلانی بشر روایات تاریخی و عوامل فرهنگی محیط را متأثر از خود می‌کند.

ساریاتون<sup>۲</sup> (۲۰۱۸) پژوهشی با هدف «پیش‌بینی جهت آموزش دموکراتیک در اندونزی از طریق اندازه‌گیری تأثیر تحمل، حساسیت چندفرهنگی و آگاهی تاریخی از نگرش دموکراتیک» انجام داده است. نتایج نشان داده ارتباط بین تحمل و آموزش دموکراتیک در اندونزی همچنان مشکل‌ساز است باید در تحقیقات بعدی موردتوجه قرار گیرد.

چادوری و میلر<sup>۳</sup> (۲۰۱۷) در مقاله‌ای با عنوان «شکل‌گیری هویت دینی در بین جوانان مسلمان آمریکایی بنگلادشی‌تبار» پرداخته‌اند. یافته‌های پژوهش حاکی از وجود دو گروه متمایز از جوانان در شکل‌گیری هویت دینی آنان است. گروهی به فطری بودن هویت دینی اعتقاد دارند و گروه دیگر مسئله هویت دینی را ناشی از کشف و شناخت محیطی می‌دانند.

پاردی و ویلس<sup>۴</sup> (۲۰۱۷) در مقاله «هویت ملی سیاسی و جغرافیایی» بر بُعد سرزمینی تأکید زیادی داشته و از آنجا که مرز سرزمینی، قلمرو سیاسی نیز محسوب می‌شود، لذا آن را دارای اهمیت مضاعف می‌داند. نادین<sup>۵</sup> (۲۰۱۶) در مطالعه «هویت ملی و خارجی جهت بررسی هویت ملی افراد آمریکایی» نشان داده که حضور در کشور دیگر باعث شده است جنبه‌هایی از هویت ملی افراد دوباره ساخته شود و

هرچند برخی آمریکایی‌ها هویت ملی خود را به‌منزله یک دارایی در آغوش می‌گیرند، برخی دیگر ارتباط میان هویت ملی و سرزمین را رد کرده‌اند.

بی‌بالدی<sup>۶</sup> (۲۰۱۵) در مقاله «بررسی ارزش‌های فرهنگی و هویت تاریخی در برندینگ شهری در زابل» به بررسی نقش نمادهای تاریخی، فرهنگی در توسعه هویت شهری در زابل پرداخته است و بر این نکته تأکید دارد که با برنامه‌ریزی در این زمینه می‌توان به رشد هویت شهری به زابل رسید.

جمالی<sup>۷</sup> (۲۰۱۵) در پژوهشی «به تأثیر رسانه‌های دیجیتال بر نگرش‌های سنتی، قبیله‌ای و مذهبی جوانان منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا به‌ویژه هویت ملی» نشان دادند جوانان این منطقه همچنان از ابزارهای مدرن مانند شبکه‌های اجتماعی مجازی برای حفظ ارتباطات و پیوندهای اجتماعی به‌ویژه مذهبی بهره می‌برند و این مسئله هویت ملی آنان را در راستای کاهش تحت‌تأثیر قرار داده است. رودریگوئز<sup>۸</sup> و همکاران (۲۰۱۰) «وجود پیوند و ارتباطی منطقی میان سه بعد فردی، قومی و ملی» را تأیید و اذعان می‌کنند که این رابطه باعث می‌شود که فرد ادراکی مناسب از جهان پیرامون خود به‌دست آورد و در کاهش یا حل تعارضات و چالش‌های هویتی خود موفق شود.

توماس و کولومبوس<sup>۹</sup> (۲۰۱۰) در پژوهش خود «بر وجود ارتباط تنگاتنگ میان سه عنصر فرهنگ، هویت اجتماعی و یادگیری» تأکید کردند و معتقدند که فرهنگ و هویت فرد است که تفکر، عمل و تعاملات اجتماعی و نهایتاً عملکرد و پیشرفت تحصیلی هر فرد را تعیین می‌کند. لذا در هر تلاشی برای برنامه‌ریزی فرهنگی و آموزشی باید این واقعیت مهم را مورد توجه قرار داد. بیستلی<sup>۱۰</sup> و همکاران (۲۰۰۹) در مطالعه «هویت ملی جوانان استرالیایی را تحت تأثیرات دوگانه فرآیند جهانی شدن» بر این باورند که عموماً بحث از ملت و تعریف موقعیت ملی در جهان براساس فرهنگ، تاریخ و ادبیات به‌ویژه

بررسی رابطه بین آگاهی تاریخی و هویت... \_\_\_\_\_ علی مرادی و همکار

در شرایط تاریخی کشور تازه تأسیسی چون استرالیا در حال منسوخ شدن است. ووبو<sup>۱۱</sup> (۲۰۰۳) تدوین تاریخ، رشد هویت در جوامع ساوا و کجوم کامرون پرداخته است و نشان می‌دهد که تاریخ الهام‌بخش انواع مختلفی از اعمال در سطوح مختلف است و سیاست هویت تنها یکی از سطوح است.

### مبانی نظری

تورین<sup>۱۲</sup> و بازسازی تاریخی: آگاهی تاریخی از مجموعه‌ای از وقایع گذشته به مجموعه‌ای از دانش که بخشی از آنچه تورین آن را الگویی فرهنگی می‌نامد، شکل گرفت. جهت ایجاد ارتباط بین آگاهی تاریخی و رشد هویت، باید تاریخ را در دو سطح مد نظر قرار داد. سطح اول، سطح پنهان تاریخ است که در آن تاریخ، انباشت تجربیاتی است که ماحصل زندگی پیشینیان بوده که تورین (۱۹۷۴) آن را الگویی از دانش نامیده است و این نوع دانش در سطح واحدهای خرد مانند خانواده، قبیله، همسایه و شبکه روابط دوستان انتقال داده می‌شود. تورین این نوع دانش را نوعی آگاهی تاریخی می‌داند که به جنبش‌های پراکنده و فاقد هماهنگی منجر می‌شود. نمونه این نوع جنبش‌ها را می‌توان در جنبش ساوا در آفریقا دانست (Vubo, 2003, p. 612). سطح دوم آگاهی تاریخی، سطح آشکار است و در کالبد دانش کم‌وبیش رسمی و منظم در کنار مجموعه‌ای از سازوکارها، اسطوره‌ها، آیین‌ها، افسانه‌ها و اعمال اجتماعی گنجانیده می‌شود. جنبش‌های کجوم در آفریقا و بسیاری از جنبش‌های هدفمند و برنامه‌ریزی شده از این دسته هستند. آگاهی تاریخی به منزله حافظه جمعی بیانگر این واقعیت است که اعمال و کنش‌های ما تا حد زیادی وابسته به دانش تاریخی است و از این طریق به نظم اجتماعی و هویت فعلی مشروعیت می‌بخشد. تصاویر تاریخی با

اجرای مناسک و آیینی نمایش داده می‌شود که معانی خاصی را منتقل کرده و موجب پایداری نظم در جامعه می‌شود. اینکه آگاهی تاریخی چگونه ابزاری برای هویت‌یابی است و چگونه عمل می‌کند دقیقاً مشخص نیست، ولی می‌توان گفت موفقیت در هویت یکپارچه زمانی میسر است که افراد برای مدیریت خود در سطوح مختلف هویت، هدایت شوند. در این فرایند آگاهی‌های تاریخی در کوتاه‌مدت (مانند نمونه کامرون) بسیار مهم است و برای برنامه‌ریزی در بلندمدت می‌توان فرایند تغییر را آرام‌تر ایجاد کرد و می‌تواند به بخشی از واقعیت ذهنی اعضای جامعه تلقی شود یعنی افراد هر جامعه علاوه بر افتخار بر هویت محلی و شناساندن خود به دیگران با آن هویت، خود را در چارچوب هویت ملی نیز بدانند بدون اینکه هیچ یک از این هویت‌ها به مشکل و تبعیض منجر شود. در این رهیافت می‌توان گفت هویت‌ها واقعیت‌های اجتماعی تمایز نیافتند و تک‌بعدی نیستند.

**دیدگاه پادایلا و پیرز:** اندیشمندانی پادایلا و پیرز (۲۰۰۳) به دو بُعد فراساختاری فرهنگ، به نام «آگاهی فرهنگی» و «وفاداری قومی» توجه می‌کنند. براساس این رویکرد، آگاهی فرهنگی، دانش مطلق است که افراد از فرهنگ‌های مبدأ خودشان و فرهنگ جامعه میزبان دارند، این دانش شامل عواملی چون مهارت‌های زبانی هر فرهنگ، آگاهی از حوادث تاریخی مهم، نمادهای فرهنگی، فهم و درک شکل‌های موسیقی و هنری فرهنگ‌ها و استانداردهای ارزشی و رفتاری است که افراد از خودشان تولید می‌کنند. چنانچه مهاجران از این میراث فرهنگی آگاهی بیشتر داشته باشند، نسبت به آن‌هایی که تماس جدید با آن‌ها دارند، براساس این مدل بهتر فرهنگ‌پذیر خواهند شد. وفاداری قومی یا قوم‌مداری زمانی رخ می‌دهد که افراد مهاجر آداب و رسوم، سنت‌ها و

بررسی رابطه بین آگاهی تاریخی و هویت... \_\_\_\_\_ علی مرادی و همکار

فعالیت‌های گروهی و جمعی خود را ترجیح می‌دهند. چنانچه این مدل اتفاق بیفتد فرهنگ‌پذیری مهاجران سخت‌تر خواهد بود (Padilla & Perez, 2003, p. 38).

**نظریه کاستلز<sup>۱۳</sup>:** کاستلز معتقد است که هویت سرچشمه معنا و تجربه برای مردم است. هویت منبع معنا برای خود کنشگران است و به دست خود آن‌ها از رهگذر فرایند فردیت بخشیدن، ساخته می‌شود، اما ممکن است که هویت‌ها از نهادهای مسلط جامعه نیز ناشی شوند، اما در این صورت نیز فقط هنگامی هویت خواهند بود که کنشگران اجتماعی آن‌ها را درونی کنند و معنای آن‌ها را حول این درونی‌سازی بیافرینند. هویت در مقایسه با نقش، منبع معنایی نیرومندتری است، زیرا دربرگیرنده فرایندهای ساختن خویش و فردیت یافتن است؛ یعنی هویت سازمان‌دهنده معناست، ولی نقش سازمان‌دهنده کارکردهاست. کاستلز معنا را به‌منزله یکی شدن نمادین کنشگر اجتماعی با مقصود و هدف کنش تعریف می‌کند (کاستلز، ۱۳۸۰، صص. ۱۸-۲۰). برای ساختن هویت از موادی نظیر تاریخ، جغرافیا، نهادهای تولید و بازتولید، خاطره جمعی، دین و ... استفاده می‌شود، اما افراد و گروه‌های اجتماعی و جوامع این مواد خام را می‌پروراند و معنای آن‌ها را مطابق با الزامات اجتماعی و فرهنگی که ریشه در ساخت اجتماعی و چارچوب زمانی - مکانی دارد از نو تنظیم می‌کنند (کوزر، ۱۳۷۵، ص. ۱۶۷).

**نظریه تاجفل<sup>۱۴</sup>:** در این نظریه فرض اساسی این است که جامعه به‌صورت سلسله‌مراتبی شکل گرفته است که در آن گروه‌های اجتماعی متفاوت در روابط قدرت و روابط پایگاهی جایگاه مختلفی در رابطه باهم دارند (مثل زن و مرد، سیاه و سفید، کاتولیک و پروتستان) که این تفاوت در قدرت و پایگاه در گروه‌های کوچک‌تر و ناپایدارتر نظیر کلاس‌ها در مدرسه نیز مشخص است (اکبری، ۱۳۹۳، ص. ۵۸). هویت‌های اجتماعی نه‌تنها اعضای خود را توصیف می‌کنند، بلکه رفتار مناسب را نیز

برای اعضایشان تجویز می‌کنند (نظیر هنجارها) و فرد نه تنها خودش را با هویتی خاص می‌شناسد بلکه سایرین هم او را با این نام می‌شناسند و ارزیابی می‌کنند و همچنین این شخص از لحاظ صفات و ویژگی‌ها به این شیوه می‌اندیشد و رفتار می‌کند (امینی و همکاران، ۱۳۹۳، ص. ۲۵۶). در تئوری هویت اجتماعی تاجفل یک ارتباط علی بین نیازهای هویت اجتماعی و اشکال مختلف رفتار بین‌گروهی قائل است؛ یعنی هویت اجتماعی مردم ابتدا از طریق مقایسه‌های اجتماعی تقویت می‌شود که بین درون گروه و برون گروه تفاوت گذاشته می‌شود و به این ترتیب تمایزات بین‌گروهی رایج را حتی اگر تضاد واقعی وجود نداشته باشد می‌توان توجیه کرد. هویت اجتماعی به تعریف از خود شخص در ارتباط با دیگران اشاره دارد، یعنی تعریف از خود بر حسب عضویت در یکی از گروه‌های اجتماعی متعدد. هویت اجتماعی به‌منزله یک سیستم فرعی شخصیت تعریف شده و نقش عمده‌ای در تعیین مشارکت شخص در سیستم اجتماعی قائل شده است (گل‌محمدی، ۱۳۸۶، ص. ۲۲۳).

**دیدگاه اندرسون:** به نظر اندرسون ملت‌گرایی را باید نه در ارتباط با ایدئولوژی‌های سیاسی خودآگاهانه بلکه با توجه به نظام‌های فرهنگی بزرگی شناخت که پیش از آن وجود داشتند. ملت‌گرایی در دورانی سر برآورد که سه مفهوم فرهنگی دیگر اهمیت خود را ازدست می‌دادند. نخست، مذهب دستخوش دگرگونی‌هایی شده بود. ملت‌گرایی نماینده تبدیل این دنیایی میرایی به تداوم، تبدیل پیشامد جادویی به نوعی معنای این دنیایی بود. پس از قرون وسطا به دلیل کشف دنیاهای جدید غیراروپایی و افت تدریجی خود زبان مقدس، انسجام ناخودآگاه مذهب کاهش یافت. هم‌بودهای قدیمی‌تر اعتماد خودشان را به تقدس بی‌همتای زبان خودشان ازدست دادند. دوم، در حوزه دودمان‌ها هم تغییراتی رخ داد. در شکل‌های فئودالی «تصور»، دولت‌ها را «مراکز



بررسی رابطه بین آگاهی تاریخی و هویت... \_\_\_\_\_ علی مرادی و همکار

عالی» تعریف می‌کردند، مرزها رخنه‌پذیر و نامشخص بود و «حاکمیت‌ها» مرزبندی روشنی با هم نداشتند. اما با افول مشروعیت سلطنت دینی در سده هفدهم، مردم شروع به تردید درباره این باور کردند که سازمان یافتن جامعه حول «مراکز عالی» مانند رُم امری طبیعی است. سوم — این بدیع‌ترین قسمت کار اندرسون است — او می‌گوید باید دریافت فئودالی از زمان را که براساس آن کیهان‌شناسی و زمان تمایزناپذیر بودند مدنظر داشته باشیم. به گفته او «آنچه بیش از هر چیز دیگری "اندیشیدن" به ملت را امکان‌پذیر ساخت» تغییرات پدیدآمده در مفهوم زمان بود (Anderson, 1991, p.22).

**دیدگاه اسمیت:** مدرنیست‌هایی مثل هابزبوم<sup>۱۵</sup> معتقدند که ملی‌گرایی به لحاظ تاریخی اهمیتی ندارد و مثل گذشته یک برنامه سیاسی جهانی نیست. دیگر افرادی مانند گلنر و اندرسون معتقدند که پایان عصر ملی‌گرایی دو از ذهن نیست و به نوعی معتقدند که باید باقی آن را در آرشیوها و کتاب‌های تاریخ اندیشه‌ها پیدا کرد. به نظر اندرسون ملت‌ها اجتماعات تصویری هستند که برای خدمت به دستگاه قدرت ساخته شده‌اند. اسمیت با استفاده از روش‌شناختی جامعه‌شناختی تاریخی تلاش دارد ملت و ملی‌گرایی را در نقاط مختلف جهان بررسی کند. وی بر آن بود که نشان دهد که نه دیدگاه کهن‌گرایان که سعی دارند هم ملت و هم ملی‌گرایی را در زمان‌های گذشته جست‌وجو کنند و ازلی‌گرایان را می‌توان پذیرفت و نه دیدگاه نوگرایانی مانند گلنر، اندرسون و هابزبوم که معتقدند پدیده‌های ملت و ملی‌گرایی پدیده‌هایی کاملاً نوین و پیامدهای تحولات مدرن است. به نظر او منبع اصلی ملت‌ها و هویت‌های ملی را باید در زمان‌های دورتری جست‌وجو کرد. از نظر او دلبستگی به وطن مقدس، خاطرات دوران طلایی، قربانی دادن برای وطن و سرنوشت عواملی هستند که برای استمراربخشی به ملت به وسیله سنت‌های فرهنگی پایدار در طول زمان ضروری هستند. اسمیت با تأکید

بر ریشه‌های قدیمی ملت‌های مدرن، آن را موجب شکل‌گیری زوایای هویتی آنها می‌داند. او بر تاریخ مشترک، فرهنگ مشترک، وفاداری متقابل<sup>۱۶</sup> و آگاهی‌یابی سیاسی تأکید دارد. وی در تفاوت ملیت و ملی‌گرایی بر این باور است که ملت پدیده‌ای کهن‌تر از ملیت‌گرایی است و اگرچه ناسیونالیسم به خلق پدیده‌ی هویت ملی و تصور وجود یک ملت دست زد، اما نمی‌توان این موضوع را به کل تاریخ تعمیم داد. او می‌خواست مبنا و پشتوانه‌ی تاریخی نظری خود را قدرت‌های باستانی چون مصر، ایران هخامنشی، اشکانی و تاحدی ساسانی، روم و یونان وجود ملت‌ها را ردیابی کند (Smith, 2004, p. 133). بنابراین اسمیت ملت را محصول تاریخ می‌داند و از تعمیم مدل‌های نظری اروپامحور برای سایر جوامع دوری کرد (فاضلی و طهماسبی، ۱۳۹۵، ص. ۶۹۹).

اندرسون معتقد بود که ملت به وسیله‌ی تخیل به وجود آمده است، به این معنا که اعضای جامعه یکدیگر را شخصاً نمی‌شناسند و تنها می‌توانند خودشان را در مشارکت با یکدیگر تصور کنند. به نظر او ملت نباید به آگاهی کاذب تعریف شود. چنین تعاریفی بر این موضوع دلالت می‌کند که اجتماع‌های واقعی وجود دارد که می‌تواند با ملت‌هایی که به‌طور مصنوعی ساخته شده است مقایسه شود. در واقع همه‌ی اجتماعات بزرگ‌تر از روستاهای آغازین با ارتباط چهره‌به‌چهره، تخیلی هستند. اسمیت درحالی که با مدرنیست‌ها موافق بود که ملت پدیده‌ی نوینی است، تأکید داشت آن‌ها دارای تاریخ طولانی هستند و از هسته‌های قومی به وجود آمده‌اند. با ترکیب گروه‌های قومی که در اعصار اولیه می‌زیستند، برخی تبدیل به ملت شدند.

**دیدگاه احمدی:** هویت ملی ایرانی با وجود داشتن بنیادهای مستحکم تاریخی و فرهنگی و سیاسی و درعین‌برخورداری از پیوستگی و اصالت و استقلال خاص خود، در صورتی قادر به رسیدن به استحکام، پویایی و تقویت هم‌بستگی ملی بیشتر جامعه

بررسی رابطه بین آگاهی تاریخی و هویت... \_\_\_\_\_ علی مرادی و همکار

ایرانی است که ضمن تکیه بر عناصر سازنده سرزمینی، تاریخی و سیاسی ایران، خود را به صورت یک گفتمان هویتی مردم - شهروندمحور بازسازی کند (مقصودی و حیدری، ۱۳۹۱، ص. ۳۳۹). ایران به منزله جامعه‌ای تاریخی، فرهنگی و سیاسی کهن برخلاف بسیاری از کشورهای نوپا، در زمره ملت‌های باستانی است که در آن هویت ملی و ملیت به مرور زمان به منزله پدیده‌ای برساخته یا سازه‌ای اجتماعی شکل گرفته و استحکام یافته است (مقصودی و حیدری، ۱۳۹۱، ص. ۳۴۰). از دیدگاه او از عناصر سازنده هویت ایرانی، سرزمین است. سرزمین ایران همیشه در کانون هویت ایرانی بوده و نام ایران از متون باستانی تا به امروز مطرح بوده است. همچنین تاریخ بخشی از هویت ایرانی است. تاریخی که بازگوکننده اساطیر ایرانی است تا به امروز، نقش مهمی در برساختن هویت ایرانی دارد. از دیگر عناصر فرهنگ و میراث معنوی است. این فرهنگ شامل آیین و رسومات است. همچنین در ایران خداپرستی و اعتقاد به عدالت و کرامت خداوندی بخشی از هویت ایرانیان است. در نهایت باید به دولت نیز توجه شود. دولت یکی از عناصر مهم هویت ایرانی است. دولت امنیت را تأمین می‌کند، فرهنگ را پرورش می‌دهد و عدالت را برقرار می‌کند. بنابراین دولت بخشی از هویت ایرانی است و ایران بدون دولت نمی‌تواند باشد (احمدی، ۱۳۹۱، ص. ۵۵).

**عباس اقبال آشتیانی و هویت ایرانی:** اقبال به صراحت، تثبیت هویت ایرانی را بخش مهمی از انگیزه خود در تحقیقات تاریخی‌اش می‌داند. همچنین در تاریخ‌نگاری اقبال، توجه ویژه‌ای به شناخت و معرفی چهره‌های شاخص فرهنگی و ادبی و دینی شده است، او بر این باور بود که چنین نگاهی به تاریخ موجب علاقه‌مندی ایرانیان به تاریخ خود خواهد شد و باعث خواهد شد تا ایرانیان از صراط مستقیم ایرانی منحرف نشوند (اقبال، ۱۳۲۷، ص. ۲). به نظر اقبال وظیفه هر فرد ایرانی، به خصوص فرهیختگان

و مورخان، زنده نگاه داشتن اجتماعی ایرانی است. اقبال آشتیانی بر این باور بود که علت بی‌توجهی برخی از ایرانیان به کشورشان و بی‌هویتی آنان، بی‌خبری از موارث فرهنگی‌شان است؛ از این رو درصدد بود در نگارش آثار تاریخی از ادبی، زبان و بیانی به‌کار برد تا برای مردم معمولی و حتی بیگانگانی که از راه درس و تعلیم با زبان فردوسی و سعدی آشنا شده‌اند قابل فهم باشد. او در نوشته‌های خود برخی عادات را که ناشی از محافظه‌کاری و کهنه‌کاری و کهنه‌پرستی بود، مورد انتقاد قرار می‌داد؛ همچنین می‌کوشید با برقراری ارتباط منطقی زمان حال با گذشته، علت و حکمت وقایع که ریشه در گذشته دور و نزدیک داشت، مبرهن سازد. در تاریخ‌نگاری اقبال، جغرافیا مقام و موقعیت ممتازی به خود اختصاص داده است به‌گونه‌ای که در دو اثر مهم خود، به تفصیل در این باره سخن گفته است (اقبال، ۱۳۷۹، صص. ۱-۱۴). به نظر وی، آشنایی مردم به جغرافیای کشورشان موجب علاقه و دل‌بستگی آن‌ها به سرزمینشان می‌شود و عدم اطلاع در این باره، عدم علاقه را در پی دارد (اقبال، ۱۳۲۴، ص. ۴).

**عبدالحسین زرین‌کوب:** زرین‌کوب به فرهنگ ایرانی به‌منزله عنصری زنده، پویا و سرشار از کارآمدی، آگاهی و انسانیت می‌نگرد؛ فرهنگی که در دوره باستان، دوره اسلامی و عصر حاضر یکی از مهم‌ترین عوامل هویت‌بخش و استمراردهنده ایرانیت قلمداد می‌شود که اشاعه آن در میان اقوام و ملل دیگر به فرهنگ جهانی کمک کرد (زرین‌کوب، ۱۳۷۶، ص. ۳۸۹). وی انسانیت، عدالت و محبت را از مؤلفه‌های فرهنگ ایرانی می‌داند که با عنصر هویت ملی درهم آمیخته هستند (زرین‌کوب، ۱۳۷۸، ص. ۱۰). او ویژگی انسانی فرهنگ ایرانی را که نقش بارزی در ماندگاری آن پیدا می‌کند و باعث می‌شود تا در هیچ دوره و زمانه‌ای زنگار کهنگی بر آن نقش نبندد و به آن ایستایی ندهد برمی‌شمرد (زرین‌کوب، ۱۳۷۶، ص. ۳۸۹). زرین‌کوب فرهنگ تسامح،

بررسی رابطه بین آگاهی تاریخی و هویت... \_\_\_\_\_ علی مرادی و همکار

آسان‌گیری در عقاید و اعتقاد به آزادی اراده را از ویژگی‌های فکری فرهنگ ایرانی می‌داند که همین امر هم باعث شد تا قلمرو حکومت ایرانی عرصه برخورد و تماس میان ادیان مختلف و گفت‌و شنود عقاید گوناگون شود تا بدین گونه به گفته وی ایران در گذشته باستانی خویش نیز مثل امروز کانون برخورد و محاوره عقاید و ادیان متنوع بود. وی نقش تمدن اسلامی نیز در فرهنگ جهانی برجسته می‌داند و معتقد است که تمدن اسلامی که لااقل از پایان فتوح مسلمانان تا ظهور مغول، قلمرو اسلام را از لحاظ نظم و انضباط اخلاقی، سطح زندگی، سعه صدر و اجتناب نسبی از تعصب و توسعه و ترقی علم و ادب طی قرن‌های دراز پیشاهنگ تمام دنیای متمدن و مربی فرهنگ عالم انسانیت قرار داد، بی‌شک یک دوره درخشان از تمدن انسانی است و آنچه فرهنگ و تمدن جهان امروز بدان مدیون است اگر از دینی که به یونان دارد بیشتر نباشد، کم‌تر نیست (زرین کوب، ۱۳۷۸، ص. ۲۱).

**سید احمد کسروی:** تاریخ برای کسروی وسیله بیدارسازی و آگاهی‌بخشی توده‌هاست که به‌زعم او این آگاهی به‌نوبه خود به تثبیت هویت ملی ایرانی می‌انجامد. درواقع، والاترین و برترین وسیله برای مقاصد اجتماعی، سیاسی و فرهنگی او تاریخ است. ملت از طریق تاریخ هم با ضعف‌های خود آشنا می‌شود و هم راه‌حل‌ها را می‌شناسد. رویکرد به تاریخ، درخت اجتماع را تنومند و بی‌توجهی به آن، درخت مذکور را می‌خشکاند. اگر بگوییم تاریخ برای یک توده همچون ریشه است برای یک درخت، بسیار دور نرفته‌ایم. تاریخ، یک توده را پایدارتر و استوارتر گرداند. وقتی توده‌ها سختی‌هایی را که در روزهای سخت با پایداری و مردانگی در گذشته تجربه کرده‌اند و به یاد می‌آورند، احساس غرور می‌نمایند. از دانستن آنکه پدران‌شان دست به هم دادند و آن توده و کشور را بنیاد نهاده‌اند به هم نزدیک‌تر و پیوسته‌تر باشند.

کسروی، بیش از همه، راه و رسمی ملی‌گرایانه داشت. او آثار خود از قبیل نوشته‌های تاریخی را در همان پس‌زمینه سیاسی (فضای ملی‌گرایی) می‌نوشت. او هم از فضای موجود تأثیر پذیرفت و هم تأثیر وافر به‌جای گذاشت (کسروی، ۱۳۷۷، ص. ۸).

**احمد اشرف:** به نظر اشرف هویت جمعی، مانند دیگر پدیدارهای اجتماعی، مقوله‌ای تاریخی است که در سیر حوادث و مشی وقایع تاریخی پدیدار می‌شود، رشد می‌کند، دگرگون می‌شود و معانی گوناگون و متفاوت پیدا می‌کند. از این‌رو از عوامل گوناگونی که برای تعریف قوم و ملت، قومیت و ملیت و هویت قومی و ملی در نظر آمده، همچون نژاد و سرزمین، دولت و تابعیت، زبان و سنن مشترک فرهنگی و ریشه‌های تاریخی، دین و ارزش‌های اجتماعی، اقتصاد و روابط تولید، هیچ‌کدام یا هیچ مجموعه مشخصی از آن‌ها را نمی‌توان به‌منزله ملاک عام برای تعریف و تمییز قوم و ملت و هویت قومی و ملی به‌کار برد. در مورد هر قوم یا ملت در هر دوره‌ای از چند عامل اهمیت می‌یابد و سیر حوادث و مشی وقایع تاریخی آن را دگرگون می‌کند. در بررسی تحول تاریخی هویت ایرانی و آگاهی از شیوه‌های تجلی ایده ایران و تاریخ آن در ادب فارسی مفاهیم سرزمینی و قومی واژه ایران و واژه‌های مربوط به آن را در اهم متون تاریخی و ادبی ایران مورد بررسی قرار داده‌ایم تا فراوانی و الگوهای کاربرد این واژه‌ها را در هریک از دوره‌های عمده تاریخ ایران از دیدگاه هویت ایرانی دریابیم. البته این بررسی را با توجه به این اصل انجام دادیم که فراوانی کاربرد واژه «ایران» تنها به یکی از عناصر تشکیل‌دهنده هویت ایرانی اشاره دارد و در آثار مورد بررسی وجوه گوناگون فرهنگ ایران در نظر آمده است (اشرف، ۱۳۸۷، ص. ۲۶).

**چارچوب نظری تحقیق**

بررسی رابطه بین آگاهی تاریخی و هویت... \_\_\_\_\_ علی مرادی و همکار

زند: زندر<sup>۱۷</sup> معتقد است جامعه جهانی و پیچیده غربی امروزه تقریباً بر تمام هویت‌ها تأثیر گذاشته است بنابراین هویت ثابت و پایداری وجود ندارد. سرعت تسریع در تغییر زندگی اجتماعی هویت افراد را پویا، متحرک و درعین حال نامشخص ساخته است. طبق این دیدگاه مردم در جامعه مدرن با هویت‌های چندگانه که با هم هم‌پوشانی دارند، زندگی می‌کنند؛ بنابراین هویت‌ها می‌توانند به‌طور فعال ایجاد و پردازش شوند در نتیجه هویت‌ها چیزهای ثابتی نیستند چون افراد و ملت‌ها، فرهنگ‌ها و نسل‌ها می‌توانند تاریخچه خود را حفظ کنند یا آن را ازدست بدهند یا به دنبال هویت‌یابی باشند به دنبال ساخت هویت جدید. آنجا که بحث هویت ملی مطرح می‌شود، اهمیت چشم‌انداز تاریخ بیشتر نمایان می‌شود چراکه آگاهی تاریخی عامل مهمی در حفظ یا ایجاد هویت‌هاست (Potapenko, 2006, p. 33). آگاهی تاریخی یکی از مفاهیم اصلی در دیالکتیک تاریخ است به همین ترتیب موضوعات پیرامون توسعه آگاهی تاریخی، در بین مردم به‌منزله یک ابزار برای رسیدن به منشأ، شکل و عملکرد جامعه شناخته شده است. جنسن<sup>۱۸</sup> چهار تعریف از آگاهی تاریخی ارائه داده است: ۱. آگاهی تاریخی، دانش همیشگی است که تمام جهت‌گیری‌ها و اشکال مشترک زندگی مردم در یک زمان را بازنمایی می‌کند بنابراین یک سرنوشت و علاقه دارند. در این تعریف چون زمان عامل ایجاد اشتراک است و نیازها در دوره‌های زمانی تغییرپذیرند، بنابراین آگاهی تاریخی یک مفهوم پایدار، تغییرناپذیر و بدون پیش‌شرط نیست. ۲. آگاهی تاریخی مستلزم ارتباط بین تفسیر گذشته، درک زمان حال و دیدگاه‌های آینده است. ۳. آگاهی تاریخی به‌صورت درک و تفسیر گذشته به‌وجود می‌آید و بر تفسیر رویدادهای آینده نیز تأثیر می‌گذارد. ۴. آگاهی تاریخی بر یک درک مشترک مبتنی بر تجربیات عاطفی استوار

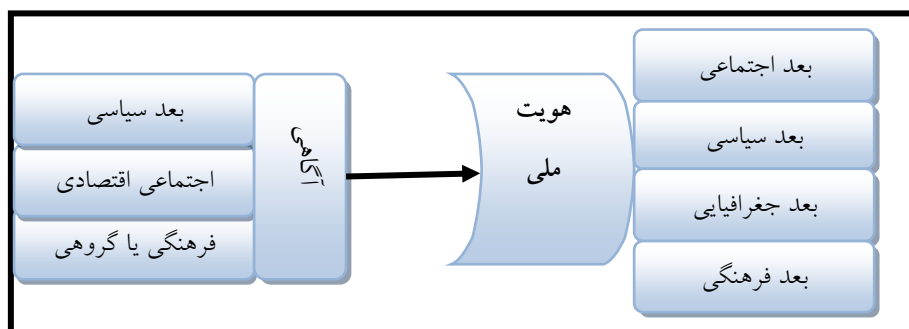
است. درک مشترک یک عنصر اساسی در شکل‌گیری و نگهداری هویت جوامع بشری است (Potapenko, 2006, p. 33).

جنسن در مورد نقش تاریخ و استفاده از آگاهی تاریخی در انسان، پنج فرایند یکپارچه ولی مختلف مشخص کرده است. او آن‌ها را «فرایندهای یادگیری و آموزشی» در آگاهی تاریخی فرد می‌نامد. مردم در زمان و مکان زندگی می‌کنند و در یک بستر فرهنگی - اجتماعی متحد هستند. عملکرد آگاهی تاریخی این است که افراد می‌توانند از آن برای جهت‌گیری در زمان و مکان استفاده کنند. جنسن فرایندهای زیر را در آگاهی تاریخی ارائه کرده است. آگاهی تاریخی به‌منزله یک هویت، به نحوه برخورد با افراد مختلف، فرایندهای یادگیری فرهنگی و اجتماعی، بیان ارزش‌ها و اصول و در نهایت به‌منزله خاطرات جمعی. جنسن معتقد است بین دو فرایند نخست با وجود تفاوت‌ها، رابطه وجود دارد (Kim, 2010, p. 437). درحالی که «هویت» در مورد تشکیل افراد یا گروه‌ها و سازوکارهای موجود در آن بحث می‌کند، مورد دوم، به برخورد و دیدار با فرهنگ‌های مشابه و متفاوت پرداخته است؛ بنابراین آگاهی تاریخی در مورد آنچه شباهت‌ها و تمایزات افراد را آشکار می‌کند اشاره دارد. در نتیجه هویت را می‌توان از طریق ارتباط افراد ایجاد کرد (Potapenko, 2006, p. 50). بنابر نظر جنسن، هویت زمینه را در زمان و مکان ایجاد می‌کند و برای اینکه بتوان عضوی از یک جامعه شد باید بین تفسیر گذشته، درک شرایط کنونی و انتظارات آینده پیوند برقرار کرد. در این فرایند و هنگام حرکت در زمان و مکان، ناگزیر با «دیگران» یا «غریبه‌ها» برخورد می‌کنیم و جهت عمل و کنش با آنان باید به درک و تفسیر «خود» برای «دیگران» و برعکس اقدام کنیم. جنسن این عمل را به‌منزله بخشی برای فرایند یادگیری و تلاشی برای پردازش و پاسخ به سؤالاتی مانند «من / ما» کیستیم؟ و «دیگران» کی هستند؟



بررسی رابطه بین آگاهی تاریخی و هویت... \_\_\_\_\_ علی مرادی و همکار

است. با این پیش‌زمینه آگاهی تاریخی به‌منزله هویت با تمایز ایجاد کردن بین دوستان و دشمنان و همچنین ایجاد و تبدیل وفاداری‌ها و گمراهی‌ها ظاهر می‌شود (Potapenko, 2006, p. 51). در نگاه جنسن فرایندهای سوم و چهارم نیز با یکدیگر ارتباط دارند. این فرایندها ماهیت وجودی دارند و درمورد چگونگی زندگی و به‌طور کلی زندگی انسان اشاره دارد. تفسیرهای گذشته، درک حال و انتظارات آینده به افراد کمک می‌کند تا به این سؤالات پاسخ دهند. جنسن خاطر نشان می‌کند که آگاهی تاریخی می‌تواند صلاحیت سناریوی فرهنگی - اجتماعی را ایجاد و توسعه دهد یعنی توانایی تشخیص، اجرای عملی و استفاده از جنبه‌های ارزشی در سناریوهای اجتماعی و فرهنگی. جنسن همچنین خاطر نشان می‌کند که بین پنج فرایند آگاهی تاریخی نمی‌توان به روشنی مرز مشخصی ایجاد کرد (Potapenko, 2006).



مدل ۱: مدل نظری پژوهش

#### فرضیه‌های تحقیق

- بین آگاهی تاریخی و هویت ملی رابطه وجود دارد.
- بین آگاهی تاریخی و بعد اجتماعی هویت ملی رابطه وجود دارد.
- بین آگاهی تاریخی و بعد سیاسی هویت ملی رابطه وجود دارد.

- بین آگاهی تاریخی و بعد جغرافیایی هویت ملی رابطه وجود دارد.

- بین آگاهی تاریخی و بعد فرهنگی هویت ملی رابطه وجود دارد.

### چارچوب روش‌شناختی

تحقیق حاضر از نظر کنترل شرایط پژوهش یک بررسی پیمایشی از نوع هم‌بستگی است. همچنین این تحقیق از نظر هدف یک بررسی کاربردی، از نظر وسعت پهناگر، از نظر دامنه خرد و از نظر زمانی یک بررسی مقطعی است. روش تحقیق این پژوهش میدانی و ابزار گردآوری اطلاعات شامل دو قسمت است. در بخش ابتدایی با استفاده از اسناد و مدارک معتبر به‌منزله ابزار، به تدوین ادبیات و مباحث نظری تحقیق می‌پردازیم. برای گردآوری اطلاعات از جامعه آماری موردبررسی جهت تحلیل‌های کمی ابزار مورد استفاده پرسش‌نامه محقق‌ساخته است. جامعه آماری پژوهش حاضر تمامی شهروندان ۱۸ سال به بالای شهر کرمانشاه که طبق آخرین سرشماری سال ۱۳۹۵ برابر ۸۵۵۵۲۳ نفر است. به‌طور طبیعی امکان مطالعه دیدگاه‌های تمامی شهروندان شهر کرمانشاه وجود نداشت، از شیوه نمونه‌گیری برای تبیین نظریات افراد مورد مطالعه استفاده شده است و براساس آن تعدادی از افراد (۳۸۴ نفر) که معرف جامعه آماری تشخیص داده شدند برای نمونه انتخاب و مطالعه شده است. برای تعیین حجم نمونه از فرمول کوکران<sup>۱۹</sup> استفاده شد.

$$n = \frac{Nt^2pq}{Nd^2 + t^2pq} \quad n = \frac{1952434 \times (1.96)^2 \times 0.5 \times 0.5}{855523 \times (0.05)^2 + (1.96)^2 \times 0.5 \times 0.5} = \frac{1875117.6136}{48820454} = 384$$

در پژوهش حاضر به دلیل گستردگی و وسعت جامعه پژوهش از یک سو و پیدا کردن کسانی که حاضر به پاسخ‌گویی باشند (باتوجه به انتشار ویروس کوید ۱۹) به‌ناچار از روش نمونه‌گیری گلوله‌برفی و قابل‌دسترس استفاده شده است. بدین شرح

بررسی رابطه بین آگاهی تاریخی و هویت... \_\_\_\_\_ علی مرادی و همکار

که پس از حضور پرسش‌گر در مناطق مختلف شهری و یافتن افرادی که آمادگی پاسخ را داشته باشند، پس از پاسخ‌گویی درباره افرادی که حاضرند در این پیمایش شرکت کنند پرسش شده و از این طریق اقدام به گردآوری اطلاعات شده است. ابزار گردآوری پژوهش پرسش‌نامه است. از آنجا که درباره موضوع سنجه استاندارد وجود ندارد، پرسش‌نامه از نوع محقق‌ساختی و ۵ درجه‌ای طیف لیکرت بود که در پژوهش حاضر برای بررسی اعتبار پرسش‌نامه، از اعتبار محتوایی و بعد صوری آن استفاده شده است.

### تعریف عملیاتی متغیرها

**آگاهی تاریخی:** در بُعد عملیاتی مفهوم آگاهی تاریخی، آگاهی تاریخ را به سه بعد دانش تاریخی، تعلق تاریخی و اهتمام تاریخی تقسیم کرده‌ایم (شجری قاسم خیلی، ۱۳۹۲، ص. ۹۵).

**الف) دانش تاریخی:** بُعد دانش تاریخی که به معنای آگاهی از مهم‌ترین رویدادهای و حوادث تاریخی است. برای شناخت این مفهوم سؤالاتی را که مفاهیمی چون میزان آشنایی با ابنیه‌های تاریخی، میزان شناخت مشاهیر، مطالعه آثار مشاهیر، شناخت حوادث مهم و تأثیرگذار محل سکونت، شناخت مکان‌های باستانی محل سکونت، شناخت بافت‌های سنتی شهر محل سکونت و آگاهی از سنت‌های قدیمی را دربر گرفته طراحی شده است.

**ب) تعلق تاریخی:** بُعد تعلق تاریخی که به احساسات افراد مرتبط است برای شناخت و سنجش این مفهوم سؤالاتی مانند داشتن احساس غرور از حوادث مثبت تاریخی، پنهان نکردن ریشه قومی و قبیله‌ای خود، احساس افتخار نسبت به داشتن مشاهیر، شناساندن خود به دیگران براساس پایگاه‌های قومی و قبیله‌ای، تعلق خاطر به

ریشه‌های قبیله‌ای و شناساندن هویت قومی خود براساس مشاهیر برجسته طراحی شده است.

**ج) اهتمام تاریخی:** بُعد اهتمام تاریخی به معنای اهمیت دادن به گذشته است. برای سنجش این مفهوم، مفاهیمی مانند اهمیت دادن به گذشته تاریخی، تلاش برای آسیب نزدن به ابنیه‌های تاریخی، شناساندن ابنیه‌های تاریخی محل سکونت به دیگران، تلاش برای جذب توریست و احترام و استقبال از آنان صورت‌بندی شده است.

### سنجش هویت ملی

برای سنجش مفهوم هویت ملی از نظریه اسمیت و تجارب قبلی که در حوزه‌های مرتبط با موضوع تحقیق صورت گرفته است. گویه‌های خودساخته نیز برای تکمیل در مقیاس‌سازی طراحی شد. در تنظیم پرسش‌نامه هم بر جنبه علمی از قبیل ساختار منطقه‌سؤالات، طرز قرار گرفتن سؤالات مهم و هم بر جنبه‌های روان‌شناختی سؤالات از قبیل سؤالات حساس دقت شده است در گام آخر اعتبار و روایی مقیاس به دست آمده با اعتبار تحلیل عاملی تأییدی و آلفای کرونباخ مورد بررسی قرار گرفته است. تمام سؤالات برای سنجش هویت ملی و ابعاد چندگانه آن براساس طیف لیکرت ۵ درجه‌ای تدوین شده است.

**بُعد اجتماعی هویت ملی:** برای سنجش بُعد اجتماعی هویت ملی، مفاهیمی مانند اعتقاد نسبت به وجود جامعه ملی ایران، ضرورت وجود جامعه ملی ایران، احساس عضویت در جامعه ملی ایران، تمایل به عضویت در جامعه ملی ایران، احساس تعلق به جامعه ملی ایران، متعهد به حفظ جامعه ملی ایران، پذیرش دیگران به منزله هم‌وطن، نگرش نسبت به دیگران متعلق به ملت، باورهایی درباب ریشه‌های اجتماعی ملی،

بررسی رابطه بین آگاهی تاریخی و هویت... \_\_\_\_\_ علی مرادی و همکار

اعتقاد به سرنوشت و آینده جامعه ملی، تمایل به پرداختن هزینه لازم برای عضویت در جامعه ملی ایران، نگرش نسبت به مبانی این همبستگی و همکاری اجتماعی، اعتقاد به ضرورت وحدت و همبستگی سیاسی و اجتماعی کل جامعه سیاسی ایران، دفاع از یکپارچگی و همبستگی سیاسی، جایگاه و نقش مردم در ارتباط با اقوام در ساختار سیاسی، جایگاه و نقش خود در ساختار سیاسی مدنظر بوده است.

**بُعد جغرافیایی هویت ملی:** از مفاهیمی مانند تصور محدوده جغرافیایی ملت ایران، نگرش مثبت به آب و خاک، نگرش به جایگاه سرزمین ایران در کره زمین، نگرش مناسب بودن سرزمین برای زندگی و سعادت، ارجح دانستن زندگی در کشور خود نسبت به زندگی در کشورهای دیگر، دل‌بستگی و تعلق به سرزمین ایران، آمادگی برای دفاع از آب و خاک در زمان خطر و تعرض به آن و علاقه‌مندی به یکپارچگی سرزمین استفاده شده است.

**بُعد فرهنگی هویت ملی:** از مفاهیمی مانند ارزش‌گذاری و قضاوت نسبت به میراث گذشته، اعتقاد نسبت به حفظ و تقویت میراث فرهنگی، اعتقاد و ارزش‌گذاری نسبت به زبان فارسی، تربیت و نام‌گذاری فرزندان استفاده شده است.

**بُعد سیاسی هویت ملی:** به منظور سنجش بُعد سیاسی هویت ملی، از مفاهیمی مانند ارزش‌گذاری به ساختارهای سیاسی گذشته، اعتقاد به ضرورت استقرار یک نظام سیاسی واحد بر کل جامعه ایران، دفاع از یک‌پارچه‌ای و همبستگی سیاسی، اعتقاد به وجود یک ساختار سیاسی یکپارچه از تاریخ گذشته، نوع ایدئولوژی سیاسی مناسب برای نظام سیاسی مطلوب آنها، نوع ساختار قدرت مناسب برای کشور، منبع قدرت نظام سیاسی، جایگاه و نقش خود را در سیستم چگونه ارزیابی می‌کنند (اساس شهروند، رعیت، سالار و حاکم)، نگاه و نگرش نسبت به جایگاه و نقش حکومت در

جامعه، نگرش نسبت به حکام گذشته در نظام‌های سیاسی گذشته، جایگاه کشور در نظام بین‌المللی، دفاع از تصمیم‌گیری‌های سیستم سیاسی کشور و در نهایت حمایت از سیاست‌های کلان کشور استفاده شده است.

برای رسیدن به روایی مورد اطمینان از تکنیک آلفای کرونباخ استفاده شده است. در این فرایند گویه‌ها را در محیط نرم‌افزار تحلیل داده‌های آماری اس.پی.اس.اس. نسخه ۲۱ مورد ارزیابی قرار گرفتند و تا رسیدن به سطح آلفای مورد تأیید یعنی بالاتر از ۰/۷۵ گویه‌ها مورد ارزیابی و اصلاح قرار گرفتند. جدول ۱ بیانگر نتایج حاصل از آزمون کرونباخ است که نشان می‌دهد متغیرهای مورد استفاده از پایایی خوبی برخوردارند.

جدول ۱: ضریب پایایی متغیرها

متغیر	متغیر/ مؤلفه	گویه‌ها	آلفای کرونباخ	آزمون KMO	آزمون بارتلت	درجه آزادی	معناداری
آگاهی تاریخی	دانش تاریخی	۷	۰/۸۰۳	۰/۷۳۶	۱۲۹۸/۸۱۲	۲۱	۰/۰۰۰
	تعلق تاریخی	۶	۰/۸۰۱	۰/۷۰۹	۸۶۴/۴۴۹	۱۵	۰/۰۰۰
	اهتمام تاریخی	۵	۰/۶۴۳	۰/۴۹۵	۶۲۳/۳۸۵	۱۰	۰/۰۰۰
	کل	۱۸	۰/۸۹۵	۰/۵۰۳	۹۳۲۶/۱۹۶	۱۵۳	۰/۰۰۰
ابعاد هویت ملی	اجتماعی	۱۷	۰/۸۲۶	۰/۶۲۲	۲۸۹۸/۹۴۲	۱۳۶	۰/۰۰۰
	سیاسی	۱۱	۰/۸۷۵	۰/۷۷۰	۲۴۳۳/۷۷۷	۵۵	۰/۰۰۰

بررسی رابطه بین آگاهی تاریخی و هویت... ————— علی مرادی و همکار

۰/۰۰۰	۳	۳۳۶/۰۲۳	۰/۶۱۳	۰/۷۵۹	۳	جغرافیایی
۰/۰۰۰	۳	۳۳۱/۷۸۰	۰/۶۶۰	۰/۷۷۴	۳	فرهنگی
۰/۰۰۰	۱۳۶	۳۳۶۶/۳۹۰	۰/۷۴۷	۰/۹۳۵	۳۴	کل

### تحلیل تجربی

در این پژوهش، بیشترین فراوانی مربوط به رده سنی ۲۶ تا ۳۵ با ۵۰٪ درصد و کمترین فراوانی مربوط به ۵۶ سال به بالا با ۲/۹ درصد است. از لحاظ متغیر جنس، از ۳۸۴ نفر پاسخگو ۲۸۹ نفر مرد هستند که معادل ۷۵/۳ درصد کل پاسخگویان اند و ۹۵ نفر زن هستند که ۲۴/۷ درصد کل پاسخگویان را به خود اختصاص داده‌اند. متغیر تحصیلات، ۷۶ نفر معادل ۱۹/۸ درصد زیر دیپلم، ۱۵۴ نفر معادل ۴۰/۱ درصد دیپلم، ۴۰ نفر معادل ۱۰/۴ درصد فوق‌دیپلم، ۷۹ نفر معادل ۲۰/۶ درصد لیسانس و ۳۵ نفر معادل ۹/۱ درصد فوق‌لیسانس و بالاتر هستند. وضعیت تأهل پاسخگویان، ۱۶۲ نفر مجرد هستند که معادل ۴۲/۰ درصد کل پاسخگویان و ۲۲۲ نفر متأهل هستند که ۵۷/۸ درصد کل پاسخگویان را به خود اختصاص داده‌اند. بیشترین فراوانی مربوط به درآمد بین ۲۰۰۰۰۰۰ تا ۱۰۰۰۰۰۰۰ با فراوانی ۱۹۳ معادل ۸۱/۱ درصد کل پاسخگویان هستند. باتوجه به یافته‌های جدول توزیع پاسخگویان بر حسب آگاهی تاریخی، بیشترین توزیع فراوانی مربوط به گویه تعلق خاطر به ریشه‌های قبیله‌ای (۵۹/۹) و گویه میزان آشنایی با ابنیه‌های تاریخی (۴۸/۳) و کمترین فراوانی مربوط به گویه تلاش برای آسیب نزدن به ابنیه‌های تاریخی (۳/۲) است.

جدول ۲: نتایج شاخص‌های آماری توصیفی و استنباطی متغیرهای آگاهی تاریخی و هویت

ملی

فاصله اطمینان ۰/۹۵ برای میانگین		تفاوت معنادار میانگین با حد وسط مقیاس		میانگین	ت	
کران بالا	کران پایین	Sig.	آماره t			
۱۶/۲۷۳	۱۵/۳۲۵	۰/۰۰۰	۶۵/۵۹۸	۱۷/۷۹۹۵	دانش تاریخی	آگاهی تاریخی
۱۳/۶۴۳	۱۲/۷۶۷	۰/۰۰۰	۵۹/۲۹۶	۱۳/۲۰۵	تعلق تاریخی	
۹/۵۵۹	۹/۰۲۹	۰/۰۰۰	۶۸/۸۸۰	۹/۲۹۴	اهتمام تاریخی	
۳۹/۳۴۹	۲۷/۲۴۹	۰/۰۰۰	۷۱/۷۳۵	۳۸/۲۹۹	کل	
۲۲/۶۹۸	۲۰/۴۰۶	۰/۰۰۰	۳۶/۹۷۶	۲۱/۵۵۲	اجتماعی	هویت
۲۳/۰۴۸	۲۱/۱۷۶	۰/۰۰۰	۴۶/۴۳۶	۲۲/۱۱۲	سیاسی	
۳/۲۱۲	۳/۰۸۹	۰/۰۰۰	۱۰۰/۲۷۱	۳/۱۵۱	جغرافیایی	
۳/۸۸۴	۳/۵۸۹	۰/۰۰۰	۴۹/۹۱۲	۳/۷۳۷	فرهنگی	
۵۲/۱۱۲	۴۸/۸۷۹	۰/۰۰۰	۶۱/۴۰۷	۵۰/۴۹۶	کل	



بررسی رابطه بین آگاهی تاریخی و هویت... \_\_\_\_\_ علی مرادی و همکار

**فرضیه اول: بین آگاهی تاریخی و هویت ملی (اجتماعی، سیاسی، جغرافیایی و فرهنگی) رابطه وجود دارد.**

یافته‌های آزمون پیرسون بیانگر رابطه بین آگاهی تاریخی و هویت ملی افراد مورد مطالعه است. باتوجه به سطح معناداری به دست آمده ( $\text{sig} = 0/000$ ) این رابطه معنادار است؛ بنابراین فرضیه ما مبنی بر وجود رابطه میان آگاهی تاریخی و هویت ملی تأیید می‌شود. بین آگاهی تاریخی و بُعد سیاسی هویت ملی افراد، بین آگاهی تاریخی و بُعد جغرافیایی هویت ملی افراد و میان آگاهی تاریخی و بُعد جغرافیایی هویت ملی و بین آگاهی تاریخی و بُعد فرهنگی هویت ملی افراد رابطه معنادار تأیید می‌شود.

جدول ۳: ضریب هم‌بستگی بین متغیرهای اصلی تحقیق

متغیرهای مستقل	متغیر وابسته	شدت رابطه	سطح معناداری	نتیجه آزمون	نوع رابطه
آگاهی تاریخی	هویت ملی	۰/۴۴۵	۰/۰۰۰	تأیید	مستقیم
آگاهی تاریخی	بعد اجتماعی	۰/۱۰۴	۰/۰۰۰	تأیید	مستقیم
آگاهی تاریخی	بعد سیاسی	۰/۵۸۳	۰/۰۰۰	تأیید	مستقیم
آگاهی تاریخی	بعد جغرافیایی	۰/۴۳۲	۰/۰۰۰	تأیید	مستقیم
آگاهی تاریخی	بعد فرهنگی	۰/۲۶۰	۰/۰۰۰	تأیید	مستقیم

### تحلیل رگرسیونی

در این مطالعه از رگرسیون به شیوه گام‌به‌گام استفاده شده است. آزمون دوربین - واتسون نشان می‌دهد که خطاها یا باقی‌مانده‌ها برای این مدل رگرسیونی مستقل از هم هستند. برای آزمون نرمال بودن توزیع باقی‌مانده‌های مدل‌های رگرسیونی از آزمون کولموگروف - اسمیرنوف استفاده شده است. جدول ۴ نتایج حاصل از ضریب رگرسیون را نشان می‌دهد. نتایج حاصل نشان می‌دهد که آگاهی تاریخی در ابعاد سیاسی، جغرافیایی و فرهنگی هویت ملی تأثیر معنادار دارند. آزمون T نشان می‌دهد که ضریب بتا برای تأثیر آگاهی تاریخی در بُعد سیاسی برابر  $(\text{Beta}=0/553)$ ، برای بُعد جغرافیایی برابر  $(\text{Beta}=0/141)$  و تأثیر آگاهی تاریخی در بُعد اجتماعی  $(\text{Beta}=0/110)$  است. می‌توان استنباط کرد که مؤلفه‌های سه‌گانه آگاهی تاریخی توانستند روی هم‌رفته نزدیک به  $0/40$  از فضای مفهومی متغیر وابسته (هویت ملی) را موردسنجش و پیش‌بینی قرار دهند.

جدول ۴: رگرسیون چندگانه و آماره‌های مرتبط با آن

معناداری Sig.	آزمون T	ضریب معیار شده Beta	ضریب معیار نشده		متغیر پیش‌بین (ابعاد آگاهی تاریخی)	متغیر وابسته
			خطای معیار	B		
0/000	۱۲/۸۹۲	0/553	0/048	0/622	بعد سیاسی	هویت ملی
0/000	۳/۴۲۱	0/141	0/700	۲/۳۹۴	بعد جغرافیایی	
0/000	۲/541	0/110	0/308	0/784	فرهنگی	
مهم‌ترین شاخص‌های ارزیابی و برازش رگرسیون چندگانه						

بررسی رابطه بین آگاهی تاریخی و هویت... ————— علی مرادی و همکار

مقدار	معادل لاتین	نام شاخص	مقدار	معادل لاتین	نام شاخص
۱۴/۰۶۲	Constant	مقدار ثابت	۱۹۵/۷۹۶	F	تحلیل واریانس
۱/۳۵۲	Durbin-Watson	دوربین واتسون	۰/۳۰۸	Kolmogorov-Smirnov	کولموگروف - اسمیرنوف
۰/۳۳۹	R-Square	ضریب تعیین	۰/۹۸۵	Tolerance	شاخص تحمل

مطابق با جدول ۵ ضریب رگرسیون برای رابطه آگاهی تاریخی و هویت ملی برابر  $(Beta=۰/۴۴۵)$  است. مقدار T برای هویت ملی در سطح ۹۵ درصد  $(T=۱۱/۵۵۵)$  معنادار است.

جدول ۵: رگرسیون چندگانه و آماره‌های مرتبط با آن

مستقل	هویت ملی (متغیر وابسته)	ضریب معیار نشده		ضریب معیار شده Beta	آزمون t	مقداری Sig.
		B	خطای معیار			
آگاهی تاریخی	هویت ملی	۰/۲۷۸	۰/۰۲۹	۰/۴۴۵	۱۱/۵۵۵	۰/۰۰۰
شاخص‌های ارزیابی و برازش رگرسیون چندگانه						
مقدار	معادل لاتین	نام شاخص	مقدار	معادل لاتین	مقدار	نام شاخص
۲۱/۱۶۱	Constant	مقدار ثابت	۹۳/۹۰۴	F		تحلیل

					واریانس
۰/۲۶۵	Durbin-Watson	دوربین واتسون	۰/۱۰۲	Kolmogorov-Smirnov	کولموگوروف - اسمیرنوف
۰/۱۹۸	R-square	ضریب تعیین	۰/۰۰۰	Sig. K.S.	معناداری کولموگوروف
۱/۰۰۰	VIF	شاخص عامل تورم واریانس	۱/۰۰۰	Tolerance	شاخص تحمل

### نتیجه‌گیری و ارائه دلالت‌های نظری و عملی پژوهش

هدف این پژوهش شناخت تأثیر آگاهی تاریخی بر هویت ملی صورت گرفته است. تحقیق حاضر ب اساس نوع داده‌های جمع‌آوری و تحلیل شده، تحقیقی کمی است و از لحاظ نوع برخورد با مسئله مور بررسی و ورود به آن مطالعه‌ای میدانی است. یافته‌های پژوهش بیانگر تأیید فرضیه اصلی و وجود رابطه بین آگاهی تاریخی و هویت ملی در بین شهروندان شهر کرمانشاه است و این نتیجه با یافته‌های پژوهش صادق‌زاده و نادری (۱۳۹۶) «رابطه هویت ملی و هویت قومی در بین دانشجویان آذری، فارس، لر، کرد و عرب در دانشگاه‌های ایران»، احمدی و گنج‌خانلو (۱۳۹۴) «رابطه هویت ملی و هویت قومی در بین جوانان شهر زنجان»، امینی و همکاران (۱۳۹۳) «تحلیل و ارزیابی هویت ملی و دینی دانشجویان دانشگاه کاشان و علوم پزشکی کاشان»، خلعتبری و لطف‌آبادی (۱۳۹۳) «آگاهی تاریخی و کارکرد آن در شکل‌دهی به هویت ایران دوره ساسانی» امیرکافی و حاجیانی (۱۳۹۲) «نسبت هویت قومی و ملی: در جامعه چندقومیتی ایران: بررسی و مقایسه سه رهیافت نظری»، کاظمی و نادری (۱۳۹۲) «بررسی رابطه

بررسی رابطه بین آگاهی تاریخی و هویت... \_\_\_\_\_ علی مرادی و همکار

سبک‌های هویت‌یابی و هویت قومی در دانشجویان گروه‌های قومی ترکمن، کرد و لر»، شجری قاسم خیلی (۱۳۹۲) «واکاوی نقش تاریخ و آگاهی تاریخی در بازسازی هویت ایرانی»، نادین بالبی (۲۰۱۶) «هویت ملی و خارجی جهت بررسی هویت ملی افراد آمریکایی»، بیستلی و همکاران (۲۰۰۹) «هویت ملی جوانان استرالیایی را تحت تأثیرات دوگانه فرایند جهانی شدن»، هم‌سویی دارد.

نتایج آزمون پیرسون برای رابطه بین آگاهی تاریخی و بُعد اجتماعی هویت ملی معنادار بوده و با یافته‌های پژوهش شهرام‌نیا و همکاران (۱۳۹۳) «بررسی تأثیر شبکه‌های اجتماعی بر میزان هویت ملی: (مطالعه موردی: دانشجویان دانشگاه اصفهان)، امیرکافی و حاجیانی (۱۳۹۲) «نسبت هویت قومی و ملی: در جامعه چندقومیتی ایران: بررسی و مقایسه سه رهیافت نظری»، توماس و کولومبوس (۲۰۱۰) «وجود ارتباط تنگاتنگ میان سه عنصر فرهنگ، هویت اجتماعی و یادگیری» هم‌خوانی دارد. نتایج برای فرضیه رابطه بین آگاهی تاریخی و بُعد سیاسی هویت ملی با یافته‌های پژوهش باردی و ویلس (۲۰۱۷) «هویت ملی سیاسی و جغرافیایی» هم‌سوست. یافته‌های فرضیه رابطه بین آگاهی تاریخی و بُعد جغرافیایی هویت ملی افراد مورد مطالعه براساس سطح معناداری به‌دست آمده با یافته‌های پژوهش کاظمی و نادری (۱۳۹۲) «بررسی رابطه سبک‌های هویت‌یابی و هویت قومی در دانشجویان گروه‌های قومی ترکمن، کرد و لر» هم‌خوانی دارد. درنهایت باتوجه به نتایج یافته‌های تحقیق بین آگاهی تاریخی و بُعد فرهنگی هویت ملی رابطه وجود دارد و با یافته‌های پژوهش بی‌الدی (۲۰۱۵) «بررسی ارزش‌های فرهنگی و هویت تاریخی در برندینگ شهری در زابل»، توماس و کولومبوس (۲۰۱۰) «وجود ارتباط تنگاتنگ میان سه عنصر فرهنگ، هویت اجتماعی و

یادگیری» و شهرام‌نیا و همکاران (۱۳۹۳) «بررسی تأثیر شبکه‌های اجتماعی بر میزان هویت ملی: (مطالعه موردی: دانشجویان دانشگاه اصفهان) هم‌سویی دارد.

مقوله هویت ملی در ابتدایی‌ترین شکل خود با نوعی احترام به مرزهای جغرافیایی هر کشور و پذیرش آن توسط کسانی ارتباط دارد که در درون آن مرزها قرار دارند و همگی در میثاقی مشخص و مشترک در باب جامعه‌ای عالیه سهیم‌اند. هویت به معنی «چه کسی بودن» از نیاز طبیعی انسان به شناخته شدن و معرفی شدن به چیزی یا جایی نشئت می‌گیرد. این احساس نیاز به تعلق، نیازی ذاتی و اساسی است که در هر فرد وجود دارد؛ به عبارت دیگر هویت، نوعی نمادسازی و پدیده‌ای فرهنگی است که افراد، گروه‌ها، اقوام یا مکان‌ها برای احراز موجودیت خود و تمایز از دیگران اتخاذ می‌کنند. یکی از رایج‌ترین شیوه‌های تعیین هویت همانا گزینش نام و نام‌گذاری است به طوری که هیچ فرد، گروه، قوم یا مملکتی بدون نام پیدا نمی‌شود. هویت در فرهنگ آکسفورد از ریشه لاتین «identitas» است که از «idem» یعنی تشابه و یکسان گرفته شده است و دو معنای اصلی دارد. اولین معنای آن بیانگر مفهوم تشابه مطلق است، این با آن مشابه است. معنای دوم آن مفهوم تمایز است که با مرور زمان سازگاری و تداوم را فرض می‌گیرد؛ بنابراین هویت به طور هم‌زمان دو نسبت محتمل را میان افراد یا اشیا برقرار می‌سازد، از یک طرف شباهت و از طرف دیگر تفاوت.

در نگاه جامعه‌شناختی که به نظر می‌رسد الگوی کارآمدتری برای تبیین عناصر و ابعاد هویت ملی است، تقسیم عناصر هویت ملی به ابعاد اجتماعی، تاریخی، جغرافیایی، سیاسی، دینی، فرهنگی و زبانی مورد توجه است. از این منظر، ساحت‌های مختلف هویت ملی در قلمرو خود شفاف و کامل‌تر خواهند شد. از اندیشمندان معاصر که تئوری‌های جدیدی در این مقوله عنوان کرده‌اند می‌توان از بورک، تاجفل و کاستلز نام

بررسی رابطه بین آگاهی تاریخی و هویت... \_\_\_\_\_ علی مرادی و همکار

برد. این اندیشمندان بر تأثیر مناسبات جهانی و نیز مناسبات قدرت در خلق و شکل‌گیری هویت تأکید داشته و معتقدند که در جهان امروز، به دلیل الزامات زندگی در ارتباطات جهانی افراد در معرض انواع متعددی از جریان‌های هویت‌ساز بوده و تنها تحت تأثیر گروه‌های محلی و خانواده خود نیستند. این امر به این معناست که هویت امری دارای جوانب متعدد بوده و برای جلوگیری از بروز مسائلی نظیر بحران هویت، تهاجم فرهنگی و ... باید به تمام مسائل در همه زمینه‌ها توجه کرد.

در این زمینه می‌توان اقداماتی را انجام داد از جمله: گسترش عرضه اطلاعات برای آشنایی مردم با ابعاد تاریخی، اجتماعی، سیاسی و ملی هویت از طریق رسانه‌های گروهی، جشن‌های دسته‌جمعی و هم‌بستگی اجتماعی، قانون اساسی کشور اجازه دهد که قشرهای وسیع‌تری به مجالس یا دیگر پست‌های انتخاباتی راه یابند. امکان تماس بین مردم و مسئولان آسان و زیاد باشد. مشارکت عامه مردم در پیشرفت کشور. ایجاد فرصت‌های سهمیم شدن در قدرت برای گروه‌های فرودست. کوشش‌های سنجیده گروه‌های اجتماعی برای در دست گرفتن سرنوشت و بهبود اوضاع زندگی. امکان کمک به کار و استفاده بهتر از منابع را فراهم می‌آورد. نظرات و اندیشه‌های مختلف توسط همه شهروندان مورد بحث و نقد قرار گیرد. دخالت دادن شهروندان در تصمیمات سیاسی و فرهنگی کشور، زیرا مردم تصمیماتی را که خود در اتخاذ آن شرکت داشته باشند بهتر می‌پذیرند. قدرت دادن به شهروندان در اتخاذ تصمیمات اجتماعی، سیاسی، ملی زیرا در وضعیت آن‌ها تأثیر مثبت می‌گذارد و مشارکت بیشتری خواهند داشت.

پی‌نوشت‌ها

1. Adriaansen
2. Saryatun
3. Chadori & Miller

4. Pardi & Wells
5. Nadine
6. Balebali
7. Jamali
8. Rodriguez
9. Thomas & Columbus
10. Bistley
11. Vubo
12. Turin Charter
13. Castells
14. Tajfel
15. Hobsbawm
16. reciprocal allegiance
17. Zander
18. Jensen
19. Cochran formula

#### منابع

- ابوالحسنی، س.ر. (۱۳۸۷). مؤلفه‌های هویت ملی با رویکرد پژوهشی سیاست، ۴، ۱-۲۲.
- احمدی، ح. (۱۳۹۱). بنیادهای هویت ملی ایرانی: چهارچوب نظری هویت ملی شهروندمحور. تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- احمدی، ح.، و گنج‌خانلو، م. (۱۳۹۴). رابطه هویت ملی و هویت قومی بین جوانان شهر زنجان. *رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی*، ۴، ۶۲-۹۳.
- اژدری، ب (۱۳۹۲). آسیب‌شناسی بعد سیاسی هویت ملی در عصر جامعه اطلاعاتی. *مطالعات سیاسی*، ۲۰، ۱۷۹-۱۹۷.
- اسکیان، پ.، و چنگیزی، ف. (۱۳۸۷). بررسی رابطه بین تمایز یافتگی و سبک‌های هویت در دانشجویان کارشناسی دانشگاه تهران، دانشکده علوم اجتماعی. *مجموعه مقالات چهارمین سمینار سراسری بهداشت روانی دانشجویان*. تهران.



بررسی رابطه بین آگاهی تاریخی و هویت... \_\_\_\_\_ علی مرادی و همکار

اشرف، ا. (۱۳۸۳). بحران هویت ملی در ایران. به کوشش حمید احدی. هویت، ملیت، قومیت. تهران، تحقیقات و توسعه علوم انسانی.

اشرف، ا. (۱۳۸۷). هویت ایرانی به سه روایت. بخارا، ۶۶، ۲۴-۳۳.

اکبری، ح. (۱۳۹۳). هویت ملی و عوامل مؤثر بر آن در میان دانش‌آموزان دوره متوسطه. رفاه اجتماعی، ۲۷، ۲۷۷-۳۰۱.

اکبری، ح.، و عبوضی، م.ر. (۱۳۹۳). بررسی وضعیت و ابعاد سازنده هویت ملی. علوم اجتماعی، ۱، ۳۳-۵۹.

اقبال آشتیانی، ع. (۱۳۷۹). تاریخ مغول. تهران: امیرکبیر.

اقبال آشتیانی، ع. (۱۳۲۷). بهار امیدواران. یادگار، ۶، ۱-۱۹.

اقبال آشتیانی، ع. (۱۳۲۴). نوروز ملی و آداب قومی. یادگار، ۸، ۱-۱۹.

امامی، م. (۱۳۹۲). از جامعه‌شناسی تاریخی تا نظریه سیاستی پیشرفت (توسعه) نقش پارادایم ماهیت‌گرا در ترسیم الگوی اسلامی ایران. هویت ملی، مطالعات ملی، ۴، ۲۱-۳۶.

امیرکافی، م.، و حاجیانی، ا. (۱۳۹۲). نسبت هویت قومی و ملی: در جامعه چندقومیتی ایران: بررسی و مقایسه سه رهیافت نظری، دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد بندرعباس. راهبرد، ۶۶، ۱۱۷-۱۴۶.

امین، ح. (۱۳۸۵). آگاهی تاریخی و هویت ملی. پادنگ، ۵۹، ۱۱-۱۵.

امینی، م.، رحیمی، ح.، و مزروعی، ح. (۱۳۹۳). تحلیل و ارزیابی هویت ملی و دینی دانشجویان دانشگاه کاشان و علوم پزشکی کاشان. فرهنگ در دانشگاه اسلامی، ۳، ۴۳-۴۱۳.

توسلی، غ.، و ادهمی، ج. (۱۳۹۱). حافظه تاریخی، هویت قومی و جهانی شدن: پژوهش بین‌نسلی در شهر سنندج. مسائل اجتماعی ایران، ۲، ۷-۳۷.

حقیقتیان، م.، غضنفری، آ.، و اکبرآبادی، پ. (۱۳۹۰). عوامل متعددی را بر هویت ملی در سه بعد عاطفی، شناختی و رفتاری. جامعه‌شناسی کاربردی، ۱، ۷۱-۸۲.

- جامعه‌شناسی تاریخی \_\_\_\_\_ دوره ۱۳، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۴۰۰
- خلعتبری، ا.، و لطف‌آبادی، م. (۱۳۹۳). آگاهی تاریخی و کارکرد آن در شکل‌دهی به هویت ایرانی دوره ساسانی. *پژوهش‌های تاریخ ایران و اسلام*، ۱۴، ۶۷-۹۷.
- ریانی، ع.، و رستگار، ی. (۱۳۹۲). تحلیلی بر وضعیت هویت ملی و ابعاد شش‌گانه آن در بین شهروندان شهر اصفهان. *جامعه‌شناسی کاربردی*، ۲، ۱-۲۰.
- رفعت‌جاه، م.، و رضایی، م. (۱۳۹۷). تحلیلی بر هویت فرهنگی دانشجویان دختر ساکن خوابگاه شهر تهران. *مطالعات روان‌شناسی اجتماعی زنان*، ۴، ۱۰۹-۱۴۸.
- زرین‌کوب، ع. (۱۳۷۶). *ایران در کشاکش ایام، حکایت همچنان باقی (مجموعه مقالات)*. تهران: سخن.
- زرین‌کوب، ع. (۱۳۷۸). *تقویم پارینه. بخارا*، ۲، ۳۵-۴۱.
- ساعی، م. (۱۳۸۹). *بازنمایی ابعاد تاریخی و سیاسی هویت ملی در تلویزیون جمهوری اسلامی ایران. سیاست نظری*، ۷، ۱۱۳-۱۴۲.
- شجری قاسم‌خیلی، ر. (۱۳۹۲). *واکاوی نقش تاریخ (آگاهی تاریخی) در بازسازی هویت ایرانی (دو قرن اول ه.ق)*. *پژوهش‌های تاریخی ایران و اسلام*، ۱۲، ۱۰۶-۱۸۹.
- شهرام‌نیا، م.، کاظم‌پور، ر.، و قنبری، ه. (۱۳۹۳). *بررسی تأثیر شبکه‌های اجتماعی بر میزان هویت ملی: (مطالعه موردی: دانشجویان دانشگاه اصفهان)*. *پایان‌نامه کارشناسی ارشد پیام نور*.
- صادق‌زاده، ر.، و نادری، م. (۱۳۹۶). *رابطه هویت ملی و هویت قومی در بین دانشجویان آذری*. *پایان‌نامه کارشناسی ارشد پیام نور*. دانشگاه پیام نور تهران غرب.
- فاضلی، ح.، و طهماسبی، ن. (۱۳۹۵). *ناسیونالیسم و مدرنیسم: مقایسه دیدگاه آنتونی اسمیت (رویکرد جامعه‌شناسی تاریخی) و مکتب نوگرا*. *سیاست*، ۳، ۶۹۳-۷۰۸.
- کاستلز، م. (۱۳۸۵). *عصر اطلاعات، قدرت و هویت*. ترجمه حسن چاووشیان. ج ۲. تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

بررسی رابطه بین آگاهی تاریخی و هویت... \_\_\_\_\_ علی مرادی و همکار

کاظمی، ف.، و نادری، ح. (۱۳۹۲). بررسی رابطه سبک‌های هویت‌یابی و هویت قومی در دانشجویان گروه‌های قومی ترکمن، کرد و «لر». همایش قومیت و فرهنگ ایران اسلامی. تبریز: دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی.

کسروی، ا. (۱۳۷۷). در پیرامون تاریخ. به کوشش ع. علیزاده. تهران: فردوسی.  
کوزر، ل. (۱۳۷۵). زندگی و اندیشه بزرگان جامعه‌شناسی. ترجمه م. ثلاثی. تهران: نشر علمی - فرهنگی.

گل محمدی، ا. (۱۳۸۳). جهانی شدن، فرهنگ، هویت. تهران: نشر نی.  
معمار، ر. (۱۳۸۷). سنجش گرایش به هویت تاریخی. تهران: اداره کل مطالعات مرکز تحقیقات و سنجش و برنامه‌ریزی صدا و سیما.

مقصودی، م.، و حیدری، ش. (۱۳۹۱). معرفی و نقد کتاب بنیادهای هویت ملی ایران: چارچوب نظری هویت ملی شهروندمحور. سیاست، ۲، ۳۳۷-۳۵۲.

میرزایی، م.، و نوین، ح. (۱۳۹۵). گردهمایی انجمن ترویج زبان و ادب فارسی ایران. انجمن ترویج زبان و ادب فارسی، ۱۱، ۱۲۶۵-۱۲۸۷.

## References

- Anderson, B. (1991). *Imagined Communities: Reflections on the origin and spread of Nationalism*. Second edition London, Verso.
- Balebali, L. (2015). *Investigating Cultural Values and Historical Identity in Urban Branding in Zabul*. London: Blackwell Publishers.
- Bistley, A. (2009). National identity of Australian youth under the dual impact of the globalization process, university of Minnesota press, 111, third Avenuesouth, suite290.
- Chadori, S., & Miller, W. (2017). Shaping Religious Identity Among Bangladeshi Muslim American Youth. *Journal of chemical Dependency Treatment*, 5(1), 77- 92.
- Jamali, H. (2015). The Impact of Digital Media on Traditional, Tribal and Religious Attitudes of Youth in the Middle East and North Africa, Especially National Identity, *Journal of youth and society*, 30(2), 1011-1166.

- Adriaansen, R.J., & Maria, G. (2019). Historical consciousness; the enigma of different Paradigms. *Journal of Curricu studies*, 5(7), 814-830.
- Kim, K. (2010). Historical awareness of the post-war generation in Korea and national and social responsibility. *Journal Korean Defense Analysis Magazine*, 22(4), 435-452.
- Nadine, B. (2016). National and Foreign Identity for the Study of American National Identity. *Personality and Social Psychology Review*, 14(3), 60-71.
- Padilla, M. A., & Perez, W. (2003). Acculturation, Social identity and Social Cognition: A New Perspective. *Hispanic Journal of Behavioral Sciences*, 25(1), 35-55.
- Pardi, F., & Wells, J. (2017). National Political and Geographical Identit. *Journal of Behavioral Develoment*, 25(4), 120-133.
- Potapenko, I. (2006). Elevens egen historia och skolans historieundervisning: historiemedvetande och identitet hos några ungdomar från forna Jugoslavien, Publisher. Lärarhögskolan i Stockholm. ISSN 1652-0572 ؛٤. ISBN: ٩١-٩٧٥٢٩٥-٣-٢,
- Rodriguez, B. (2010). The Logical Relationship between Three Individual, Ethnic and National Dimensions. *Journal of marriage and the family*, ٢(3), 199 – 209.
- Sariyatun, H. Jo., & Bambang, S. (2018). roliferation of Democratic Education in Indonesia: The Influence Measurement of Tolerance, Multiculturalism, and Historical Awareness on the Democratic Attitude. *The new educational review*, 52(2), 1732-6729.
- Smith, A. D. (2004). *The Antiquity of Nationalism*, London: Polity Press.
- Thomas, D. A., & Columbus, D. (2010). On the Relationship between the Three Elements of Culture, Social Identity and Learning, Russell Spears: Bertjan Doosje (Eds) *social identity: context, commitment, content*, London.
- Vubo, E. Y. (2003). Levels of Historical Awareness: The Development of Identity and Ethnicity in Cameroon. *Cahiers d'Études africaines*, 43(171), 591-628.

## Investigating the relationship between historical awareness and (Case Study of Kermanshah City) national identity of citizens

Ali Moradi, Kayomars Korani<sup>۱</sup>

Received: 11/06/2020 Accepted: 09/02/2021

### Abstract

The nature of national identity in any society depends on the dimensions of the constructor and its status, and consequently the nature of the constructive dimension and its status will bring different results in different societies. In the present study, the relationship between historical awareness and national identity of citizens in Kermanshah, in a sample of 384 people aged 18 and over has been studied. The main purpose of this study is to investigate the relationship between historical awareness and national identity of citizens (a case study of Kermanshah). The validity of the questionnaire was confirmed through formal validity and its reliability was confirmed by Cronbach's alpha coefficient. Most variables had an alpha level above 0.75, which indicates the high power of the measuring instrument. SPSS statistical software and inferential statistical techniques such as Pearson correlation coefficient and regression were used to analyze the data. Findings show that between historical awareness and total national identity ( $r = 0.445$ ), national identity in the social dimension ( $r = 0.104$ ), in the political dimension ( $r = 0.583$ ), in the geographical dimension ( $0.432$ )  $R = 0$  and there is a positive and significant relationship in the cultural dimension ( $r = 0.260$ ). In addition, the results of multivariate regression also indicate that the effect of historical awareness is in the political dimension (Beta = 0.555), geographical dimension (Beta = 0.141) and social dimension (Beta = 0.101). These three components of historical consciousness were able to explain and predict about 40% of the conceptual space of the dependent variable of national identity. Accordingly, it can be said that involving citizens in the political and cultural decisions of the country, expanding the supply of information to familiarize people with the historical, social and political aspects of life can promote a common sense of solidarity and national identity.

---

<sup>۱</sup> Associate Professor of Sociology, Eslam Abad Branch, Islamic Azad University, Eslam Abad-e-gharb, Iran. (Corresponding author) Email: moradi.pop@gmail.com  
<https://orcid.org/0000-0002-1644-463X>.

<sup>۲</sup>M.A of Sociology, Eslam Abad-E-Gharb Branch, Islamic Azad University, Eslam Abad-E-Gharb, Iran.

جامعه‌شناسی تاریخی \_\_\_\_\_ دوره ۱۳، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۴۰۰

**Keywords:** Identity; National Identity; Social Identity; Historical Awareness; Kermanshah.